نامهٔ مردم
ارگان مرکزی حزب تودهٔ ایران

دورهٔ هفتم، سال دوم، شمارهٔ ۳۵۴
شنبه ۱۹ مهر ۱۳۵۹، بها: ۱۵ ریال

وحدت متشکل خلق در سنگر، ضامن پیروزی بر توطئه‌گران امریکائی و تجاوزگران صدامی است

وحدت بی‌نظیری که همه اقشار مردم رزمنده ایران یکبار در انقلاب شکوهمندمان به رهبری امام خمینی به بازرترین وجهی به جهانیان نشان دادند و با خون سرخ دها هزار شهید قهرمان در تاریخ میهن ما به ثبت رسانیدند، اکنون تکرار میشود.

در جنگ تجاوزکارانه‌ای که امپریالیسم جهانخوار، به سر- کردگی امپریالیسم امریکا، به دست رژیم صدام جنایتکار، علیه جمهوری اسلامی ایران آغاز کرده است، همه اقشار مردم مبارز ایران، در جبهه و پشت جبهه، در کارخانه، مزرعه و مدرسه، در داخل و خارج کشور برای دفاع از دستاوردهای انقلاب شکوهمند خویش، برای دفاع از هر وجب از سرزمین آباء اجدادی خویش، برای دفاع از استقلال میهن وجمهوری اسلامی ایران، درصف واحدی می‌رزمند.

درس وحدت بزرگترین درسی است که همه مردم زحمتکش و مستضعف، باز هم با نثار خون بهترین فرزندان خویش به همه ارگانهای دولتی و نهادهای انقلابی، بهمه سازمانها، گروهها و احزاب و جمعیتهای سیاسی و اجتماعی داده و میدهند.

نیروی عظیم وحدت خلق است که همه حسابهای توطئه‌گران امپریالیستی و ضد انقلاب داخلی علیه انقلاب و برای برانداختن

بقیه در صفحه ۷

درود بر مردم قهرمان دزفول! مرگ بر رژیم جنایتکار صدام حسین!

بمباران وحشیانهٔ مردم غیر- نظامی دزفول بلهٔ جدیدی درسقوط رژیم صدام جانی در پسرتگاه وحشیگری، درندگی و محرومیت از شرافت و انسانیت بود. جلادان صدامی، که در صحنه‌های نبرد جرئت رویاروئی با نیروهای مسلح ایران را ندارند، بر مردم بی- سلاح، به خانه‌های مسکونی، به- اماکنی که کوچکترین اهمیت نظامی ندارند، حمله می‌آورند و زنان و پیران و کودکان بیگناه ما را قتل‌عام می‌کنند.

عمل وحشیانهٔ مزدوران صدام جانی در دزفول تاکنون قریب ۶۰ نفر کشته و عده‌ای زخمی و دهها خانه و کاشانهٔ ویران بجا گذاشته است.

ما بمناسبت این جنایت فجیع، نفرت عمیق خود را علیه مزدوران صدام دستیار آمریکا ابراز می- داریم.

ما همبستگی رزمی خود را با مردم قهرمان دزفول اعلام می- داریم و به بازماندگان شهدا صمیمانه تسلیت می‌گوئیم.

خلق قهرمان ما بیدی نیست که با این بادها بلرزد. در پاسخ جنایت صدام‌حسین، نیروی رزمی خودرا دوچندان کنیم، بااتحادی مستحکمتر، اراده‌ای خلل‌ناپذیرتر و آمادگی برای هرنوع فداکاری، خود را برای زدن ضربت خرد- کننده بر رژیم جنایتکار صدام و حامیان آمریکائی‌اش آماده سازیم.

لئونید برژنف به امپریالیستها در مورد توطئه علیه ایران هشدار داد

لئونید برژنف، رهبر اتحاد شوروی در پایان مراسم امضاء پیمان دوستی و همکاری اتحاد شوروی و سوریه در جریان ضیافتی که به افتخار حافظ اسد رئیس جمهور سوریه برپا شده بود، هشدار داد که اتحاد شوروی با قاطعیت اعلام می‌کند، باید از مداخله در امور کشور- های خلیج فارس خودداری شود و مردم کشورهای منطقه خلیج‌فارس باید بحال خود گذاشته شوند.

رهبر شوروی گفت: «شوروی در جنگ ایران و عراق دخالت نمی‌کند و اخطار کرد که دیگران نیز باید از مداخله‌خودداری کنند.»

لئونید برژنف افزود:

«باید تاکید کرد امنیت ملی کشورهای عرب را کسانی به مخاطره انداخته‌اند که تلاش می‌کنند اراده غارتگرانه و استیلاگرانه خود را بر این خلقها و کشورها تحمیل کنند و آنها را با شبکه پایگاههای نظامی خود مرعوب ساخته و مورد شانتاژ قرار دهند. ناو- های جنگی خود را بسوی سواحل این خلقها گسیل میدارند و از گاوبهای اختلاف در منطقه برای رسیدن به مقاصد آزمندانه وشرورانه خود استفاده می‌کنند. حیله‌های خطرناک و لیستگیهای میلیتاریستی امپریالیستی در رابطه با جنگ ایران و عراق تازه‌ترین نمونه این شانتاژ است. امپریالیستها بسیار مایلند به یکپارچگی اعراب ضربه درهم‌شکننده‌ای وارد سازند و از هریک از طرفین محارب بسود خود استفاده کند و سلطه خویش را دوباره بر ایران برقرار سازند. اتحاد شوروی با این‌گونه سیاستها قاطعانه مقابله کرده و مقابله خواهد کرد. خوشحالیم که موضع ما در این‌مورد با موضع سوریه و دیگر کشور- های صلح‌دوست یکی است. ما قصد مداخله در اختلاف ایران و عراق را نداریم.»

حافظ اسد رئیس جمهوری سوریه:

برای ما اتحاد شوروی یک دوست وفادار است که بطور تزلزل‌ناپذیر در برابر هر تجاوزی در کنار ما است

حافظ اسد رئیس جمهور سوریه در پی امضاء معاهده دوستی و همکاری اتحاد شوروی و سوریه، گفت:

این معاهده به مبارزه خلق‌های عرب علیه توطئه کمپ دیوید کمک خواهد کرد.

حافظ اسد گفت برای ما اتحاد شوروی یک دوست وفادار است که بطور تزلزل‌ناپذیر در برابر هرتجاوزی در کنار ما است. رئیس جمهور سوریه یادآور شد: وظیفهٔ اصلی خلقهای‌عرب‌مقابله با تجاوز و توطئه‌های امپریالیسم امریکا و صهیونیسم است.

دوستی اتحاد شوروی وسوریه تحکیم میشود

چنانکه خبرگزاریها گزارش میدهند، «پیک حافظ اسد، رئیس جمهور و رهبر حزب‌بعث‌سوریه، در راس یک هیئت دولتی وحزبی از اتحاد شوروی دیدار میکند.

در جریان این دیدار گفتگو- هایی همه‌جانبه پیرامون مناسبات میان‌دو کشور و عمده‌ترین‌مسائل بین‌المللی میان رهبران سوریه‌و اتحاد شوروی انجام خواهد شد.

مناسبات میان اتحاد شوروی و سوریه، همکاریهای‌اقتصادی‌و فرهنگی گسترده‌ای را دربر می- گیرد، در سالهای پیش، دهها موسسه اقتصادی کلیدی بکمک و با همکاری اتحاد شوروی در سوریه ساخته شده است، که سد عظیم فرات، که هشتاد درصد نیازمندی برق‌سوریه را برآورده میسازد، تنها یک نمونه آنهاست.

حافظ اسد بارها مناسبات‌میان سوریه و اتحاد شوروی را، که بر پایه برابری حقوق و رعایت اکید استقلال و بسود هر دو کشور است، «یکی از ارکان عمده سیاست خارجی سوریه» توصیف کرده است.

رهبر سوریه، در سخنرانی در اسفند ۱۳۵۸، ضمن اشاره به توطئه‌های امپریالیسم آمریکا و صهیونیسم در خاورمیانه، یادآور شد که، قصد دارد روابط میان سوریه و کشورهای‌سوسیالیستی، بویژه اتحاد شوروی، را تحکیم بخشد. وی تاکید کرد که:

«امپریالیستها نمیتوانندشالوده محکم دوستی میان‌سوریه و اتحاد

بقیه در صفحهٔ ۷

صنایع نفت ایران و مقتضیات بازسازی آن در زمان جنگ و پس از آن

صفحه ۴

ارزیابی حزب توده ایران دربارهٔ تجاوز رژیم تبهکار صدام‌حسین به جمهوری اسلامی ایران (۳)

وظایف اعضای حزب توده ایران در شرایط کنونی

درتاریخ ۱۲ مهرماه جاری، جلسهٔ «پرسش و پاسخ» باشرکت رفیق نورالدین کیانوری، دبیر اول کمیتهٔ مرکزی حزب تودهٔ ایران، برگزار شد.

بخشهایی از این«پرسش وپاسخ» درشماره های گذشته درج شد واینک آخرین بخش آن‌در این شماره به چاپ می‌رسد. صفحه ۷

حجت‌الاسلام خامنه‌ای:

دولت بعثی عراق ... بصورت خنجری در دست دولت استکبار پلید آمریکا بیرون آمد

در مراسم نماز جمعه دیروز دانشگاه تهران و پیش از خطبه‌های نماز جمعه، حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس شورای اسلامی ایران سخن گفت و ضمن‌تشریح علل جنگی‌که بوسیله امپریالیسم آمریکا و رژیم تبهکار صدام‌حسین به‌مردم‌قهرمان ما تحمیل شده است تاکید کرد که علت را قبل از هر چیز باید در محتوای انقلاب ایران جستجو کرد. وی در قسمتی از سخنانش به شروع جنگ اشاره کرد و گفت: «...اردوهای‌فراوانی درخاک عراق‌درست شد که فراریان ما را در آنجا جمع کردند و نظام پیشان‌دادند و ارتش درست کردند، عوامل شناسایی، همانهایی‌که از ارتش و ساواک و دیگر مراکز اخراج شده بودند، یا فرار کرده بودند همه امکانات اطلاعاتی را در اختیارشان گذاشت، آمریکا تمام امکانات را در اختیارشان گذاشتند و برنامه ریختند که اوندفعه این جوری عمل کنند. از بغداد جنگ را با بهانه‌های واهی علیه ما شروع کنند.». حجت‌الاسلام رفسنجانی هدف این جنگ تحمیلی را ازجمله چنین‌توضیح داد: «هدف استعمارگر و عراق باید اینجا دربیاید. ریشه‌های‌جنگ این بود. برای نابودکردن انقلاب، انقلابی که دارد میرود کاخ آمال ستمگران را خراب کند، ملتها را بیدار کند،حقوق ملتها را بگیرد، نوع‌حکومت ارتجاعی تحمیلی را در منطقه اسلامی بکند، ملتها را در برابر دشمن اصلی قرار دهد. صف‌بندی علیه اسرائیل را قوی‌بکند وپایه‌زورگفتن‌وتجاوزرا درمنطقه‌بکند وحقوق منطقه را به آنها برگرداند، باید این جمهوری‌برداشته شود، این هدف است».

در ادامهٔ مراسم فرزند آیت‌الله حکیم، سخن گفت و در پایان حجت‌الاسلام خامنه‌ای‌امام جمعه‌تهران سخنرانی کرد. وی در خطبه‌های نماز، از جمله گفت:

«ملت عراق باید هشیار باشد، انقلابیون عراق باید مراقب‌باشند که حیلهٔ‌ماموئی، بختیاری آمریکایی در عراق بوجود نیاید؛ انقلابیون عراق باید نیروهای خود را متمرکز کنند، مراقب باشند، این دشمن را ساقط کنند و بدانند که دشمن دیگری ممکنست با

بقیه در صفحه ۷

ملک حسین بکمک صدام می‌شتابد

جنگ خانمانه رژیم صدام حسین علیه جمهوری اسلامی ایران، که بخشی از نقشه‌های تجاوزی و طرحهای توطئه‌گرانه امپریالیسم امریکا بمنظور شکست‌انقلاب و براندازی نظام‌جمهوری اسلامی ایران است، از چهره نوکران سرسپرده امپریالیسم امریکا و خائنین به منافع ملی خلقهای عرب پرده برمیگیرد.

ملک‌حسین، حاکم اردن، عروسک دست پرورده امپریالیسم امریکا و انگلیس، پادشاهی که جیره‌خواری و جاسوسی‌برای سازمان جاسوسی امریکا «سیا» را از افتخارات خود میشمرد و با صراحت اعتراف میکرد که در برابر دستمزد برای امریکا جاسوسی میکند، بدستور اربابان امریکائی خود، با صدام حسین جلاد ابراز همبستگی میکند و آمادگی خود را برای شرکت در جنگ تجاوزی جنایت- کارانه علیه جمهوری اسلامی ایران اعلام میدارد.

شاه اردن اظهار میکند که کشور او آماده است، درصورتی که عراق در جنگ با ایران احتیاج به کمک نظامی داشته باشد، به آن کشور کمک کند.

ملک‌حسین در مصاحبه با مجله‌فرانسوی «پاری‌ماچ»اظهار داشت:

«اگر چیزی باشد که من بتوانم انجام دهم یک لحظه درنگ

بقیه در صفحهٔ ۷

بدون تفسیر

دکتر چمران:

«ما از طریق مکالماتی که با پاسیم انجام میشود، مطمئنیم که روسیه به عراق کمک میکند.»

(کیهان، ۱۵ مهر ۵۹)

رئیس جمهور:

«چند روز پیش سفیر شوروی به من اطمینان داد که کشور وی کمک نظامی به رژیم بغداد را، طبق بیطرفی‌اعلام- شده ازجانب دولت متبوعش درمنازعهٔ جاری، قطع‌نموده‌است... تا این لحظه که من با شما صحبت می‌کنم، هیچ اطلاعی که درخور آن باشد که گلنه‌های دیپلمات را رد نماید، در اختیار ندارم.» (از مصاحبه با «لوموند»، ۱۶ مهر ۵۹)

«... تمایل من به آنستکه صداقت اتحاد شوروی را در اعلان بیطرفی‌شان باور داشته باشم.»

(همانجا)

برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!

نورالدین کیانوری

ارزیابی حزب تودهٔ ایران دربارهٔ تجاوز رژیم تبهکار صدام حسین به جمهوری اسلامی ایران (۳)

وظایف اعضای حزب تودهٔ ایران در شرایط کنونی

دوتاریخ ۱۲ مهرماه‌جاری، جلسهٔ "پرسش وپاسخ" با شرکت رفیق نورالدین‌کیانوری ، دبیراول کمیتهٔ مرکزی حزب تودهٔ ایران ، برگزار شد.
بخش‌هایی ازاین "پرسش وپاسخ" درشماره‌های گذشته درج شدو اینک آخرین بخش آن‌دراینجا به‌چاپ می‌رسد.

حالا البته این سئوال پیش می‌آید که خوب اگر این‌جورباشد آمریکا آنقدر تلاش خواهد کرد تا ما را ازپا درآورد .نه این‌سئوال جوابش حتماً " این نیست . اگرمابتوانیم سیاست ،اقتصاد ، مناسبات داخلی و بین‌المللی خودمان‌را ، در جهت تحکیم‌جبههٔ نیرومند انقلابی ضدامپریالیستی‌در داخل ، درجهت تحکیم موقعیت ایران در مجموعه جنبش ضدامپریالیستی جهان ،به‌درستی‌گسترش‌دهیم، ایران ازچنان موضع نیرومندی برخوردار خواهد شد کـه آمریکا با تمام‌تحریکات خودش پشت‌در خواهد ایستاد و تـاثیرش درانقلاب ایران‌همانقدر خواهد شد که در"کوبا هست . چون ما می‌بینیم کـه آمریکا با تمام تلاش‌هایی‌که از فاصله چند کیلومتری مرزهای کـوبا علیه آن به‌کار می‌برد ، غیر از ایجاد برخی دشواری‌های محـدود برای پیشرفت اجتماعی کوبا ، به‌هیچ وجه نمی‌تواند‌به‌دستاوژدهای انقلاب کوبا لطمه‌بزند . یعنی ایران نیروی بالقوه لازم را دارد که بتواندتمام‌تحریکات آمریکازا خنثی کندو آمریکا رابشت‌درنگه‌دارد تا هر قدرمی‌خواهد زوزه بکشد ، جیغ بزند، جنجال کند ، ولی نتواند ضربه حساس و آزار دهنده‌ای برای جلو گیری از گسترش انقلاب ما وارد بیاورد .

اما این کار ، همانطور که گفتم ، دو شرط‌دارد ،یک‌شرطش این است که‌درداخل‌ایران بطورجدی در جهت ایجادجبههٔ متحد خلق عمل شود که ما همیشه آنرا با پی‌گیری پیشنهادمی‌کنیم ، ـ جبهه در برگیرنده تمام نیروهای راستین ضد امپریالیستی،پشتیبان استقلال ، آزادی، پیشرفت اجتماعی و تغییرات بنیادی به سود توده‌های زحمتکش دهها میلیونی ایران ، جبهه‌ای که همه این نیروها را ، صرف‌نظر از موضع‌گیریهای اجتماعی و اختلافاتی‌که‌در زمینه‌ایدئولوژی دارند ،بتواندبربایه‌یک برنامه‌مشترک‌موردتوافق ، متحدکند و در زمینه سیاست خارجی نیز بتواند از پشتیبانی کلیه نیروهای جهانی هوادار انقلاب ایران ، بهره گیرد و از تضادهای موجوددر اردوگاه دشمنان ما با دقت و ظرافت و خردسیاسی برای تحکیم مواضع ایران استفاده کند .

درهمین زمینه است که ما تمام‌تلاش خودمان را ،چه‌ازلحاظ تبلیغاتی ، چه از لحاظ سیاسی و چه از لحاظ پیشنهاد برنامه‌های عملی کار به‌مقامات حاکمیت کنونی جمهوری‌اسلامی ،به‌کاربرده‌ایم و در آینده نیز به کار خواهیم برد . این است آن‌وظیفهٔ‌اساسی‌که ما برای خود قائلیم . البته ما پیش بینی می‌کنیم که دشواری های اجتماعی ما در ماه‌های آینده ، اگر هم یک آرامش و سکوت موقتی بعد از خاتمهٔ برخورد نظامی با عراق پیدا شود ، افزایش خواهد یافت .آمریکا باز هم خود را برای یک ضربهٔ وسیع‌تر و گسترده‌تر آماده خواهد کرد . اگر به تغییراتی که در سیاست آمریکانسبت‌به ایران روی داده است ، توجه کنیم ، می‌بینیم پس از هر ضربه ، ضربهٔ‌بعدی شدیدتر ، گسترده‌تر و وحشیانه‌تر بوده است و آمریکا عقب نخواهد زد . بعضی از سیاست‌مداران ما چنین تصور می‌کنند که‌اگراین توطئه صدام و تجاوز عراق به ایران با شکست‌روبروشود آمریکا دیگر درس‌آخری خودش را از انقلاب ایران گرفته و حاضر خواهد شد انقلاب ایران را به رسمیت بشناسد و آن را به حساب بگذارد . ما چنین عقیده‌ای نداریم و این تصور را خوش بینانه حوش باورانه و نشانهٔ آن می‌دانیم که این سیاست‌مداران هنوزبه ماهیت امپریالیسم ، آنطور که واقعاً هست ، پی نبرده اند ، مابا ارزیابی آن نمایندهٔ مجلس موافقیم که‌گفته‌است این‌تجاوز ازماهیت امپریالیسم ، ازوجود امپریالیسم ، سرچشمه می‌گیرد وامپریالیسم اصلاً " غیرازاین نمی‌تواندباشد . و واقعیت هم آنچنان است که رفتار امپریالیسم آمریکا نسبت به‌انقلاب ایـران اصلاً نمی‌توانـد جور دیگری باشد . این رفتار کوچک‌ترین ارتباطی باخواست ایـن‌رئیس جمهوری یاآن رئیس جمهوری آمریکا ندارد .این مجموعـه ماهیت امپریالیسم آمریکاست که چنین سیاستی را ایجاب می‌کند و ایـن سیاست باتمام مکر ومودی‌گری و خیانت کاری‌اش دنبال خواهد شد و به‌همین جهت برآنیم که جمهوری‌اسلامی ایران باید خودرا برای این گونه رو دررویی‌ها و رودررویی‌های خیلی شدیدتر ازآن ، ازهر جهت ـ هم ازلحاظ اجتماعی ـ روحی وهم ازلحاظ مادی ، آمـاده کند تادرلحظات بحرانی به بن‌بست گرفتارنشود : هم ازنظر تامین خوار وبار وهم‌ازنظر یک‌استراتژی طویل‌المدده برای‌تامین‌احتیاجات ایران ازکشورهای دوست که آماده‌هستند هرآنچه راکه‌انقلاب ایران بدان نیاز داشته‌باشد ، تحویل دهـد ،همین‌نمایشگاه اخیربازرگانی که درتهران تشکیل شد نشان دهندهٔ آست که واقعـا کشورهای دوست ماکدام‌ها هستند و ماچگونه می‌توانیم تمـام کالاهای مورد نیاز خودمان را بدون اشکال و به‌ارزان‌ترین قیمت از آنـها دریافت داریم و باهرگونه فشار اقتصادی امپریالیسم غارتگر مقابله کنیم . در این زمینه است که جمهوری اسلامی ایران ، به‌نظرما ، بایدیک نقشه استراتژیک درازمدت برای معاملهٔ‌انواع تحریکها ، توطئـه ها و دسائس آمریکا تنظیم کند .

حلق ماهم ، البته بایدآماده‌ٔ این رودررویی‌هـا باشد این رودررویی‌ها ممکن است دربعضی از جوانب زنـدگی دشواری‌هـایی بیش از آنچه که‌ماامروز باآن روبروهستیم ، بوجودآورده ولی نمونهٔ الجزیره ، نمونهٔ ویتنام ، نمونهٔ کوبا ، نمونهٔ اتحادشوروی ، نمونهٔ همهٔ کشورهایی که‌انقلاب کرده‌اند ،نمونهٔ خودکشورما ،نشان‌دهندهٔ آن است که خلق‌ها برای آزادی ، استقـلال و پیشرفت اجتماعی آمادگی تحمل بزرگ‌ترین محرومیت‌ها رادارند وایـن محرومیت هارا به طـب حاطر می‌پذیرند . کسانی که آماده‌اند به‌خاطر این‌آرمان‌ها جان نثارکنند ، حتماً " می‌توانند هرمشکلی راتحمل کنند وما ازاین جهت به مردم ایران اعتقاد بسیارعمیق داریم وامیدماهم‌این‌است که رهبری سیاسی کشور مادشواری‌هایی را که الان در مقابل گسترش اتحاد همهٔ‌نیروها درمبارزهٔ ضدامپریالیستی وجـود دارد ، مـورد بررسی عمیق ، دقیق ،همه‌جانبه وبدون‌پیشداوری قراردهد و نتایج صحیح ازآن بگیرد . درغیراین‌صورت ، باآنکه مسلماً " نمی‌شودگفت که جمهوری اسلامی باشکست روبرو خواهدشـد ، ولی رودررویی‌با پیش‌آمدهای خطرناک برایش به‌مراتب دشوارتر و پررنج‌تر و همراه‌با تلفات سنگین‌تر خواهد بود که‌بهتراست ما نتـوانیم از آن‌اجتناب کنیم .

س : وظایف افراد حزب ما ، توده‌ای‌ها ، هواداران حزب‌ما ، آنهایی که نظرحزب ماراتایید می‌کنند ، درشرایط‌کنونی چیست ؟

ج : رفقا ! دریک فراخوانی که فردا ازطرف کمیتهٔ مرکزی‌منتشر خواهدشد ، مابه‌این وظایف اشاره کرده‌ایم . درلحظهٔ کنونی وظیفهٔ هرتوده‌ای وهرهوادار سوسیالیسم علمی این است که‌ما تجاوزی را که به کشورمان شده ، تجاوزی که ماآن‌را به‌انقلاب‌ایران می‌دانیم وهدف آن براندا‌ختن جمهوری اسلامی و نابودکردن دست‌آوردهای‌بسیـار ارزندهٔ انقلاب ایران است ، این تجـاوز را با شکست روبـرو کنیم و متجاوزین رابه‌جای خودشان وایس رانیم . ایـن وظیفهٔ هرایرانی میهن‌دوست است وازآنجائی که توده‌ای‌ها انقلابیـون میهن‌دوست هستند وهم درمیهن‌دوستی و هم درانقلابی بودن در اولیـن‌صفوف مبارزان خلق ما گام برمی‌دارند، این‌وظیفه‌برای‌آنهاهم بانام‌شدتش وجود دارد ، البته برای شرکت موثر توده‌ای‌ها در این‌نبرد ، بـرای واپس‌راندن عراقی‌ها ، دراین‌جا وآن‌جا می‌توانددشواری‌هایی وجود داشته‌باشد ، ولی ماعلی‌رغم این دشواری‌هـا ، علی‌رغم تمام‌کم‌ـ خلقی‌هایی که‌گروه‌های مختلف مسارزان ، به‌خصوص مبارزان اسلامی که الان حاکمیت تمام تجهیز نیروی خلق را دردست دارند ، ازخود نشان بدهند ، ماباید وظیفهٔ‌تاریخی خودمان را انجام بدهیم‌وازهر جهتی که ممکن هست به تجهیز نیروها برای درهم‌شکستن این‌تجاوز کمک برسانیم ،جزئیات این کمک درفـراخوان فردای کمیتهٔ مرکـزی آمده است . ماباید درگروه‌های بسیج باتمام نیروی خودمان شرکت کنیم . بعضی جاها ممکن است رفقای توده‌ای مارابشناسند وآن‌ها را راه ندهند ، دراین صورت آن‌ها بایدبه‌مراجع بالاتر رجوع کننـد و بخواهند و بااصرار بخواهند کماین حق آن‌هاست . من درسرمقالـهٔ مجلهٔ دنیا ، یادآوری کرده‌ام کافسانان می‌تواند انحصارطلبی را در اشغال مقام‌های حساس بفهمد ، ولی انحصارطلبی درجان‌دادن‌برای میهنش رامادیگر نفهمیده بودیم . آخر ، افرادی هستند علاقمنـد ، می‌خواهند برای بیرون رانـدن متجاوزین از خاک خـود جانشان را بدهند . دراین‌جا دیگر ، اگرافرادی بخواهنـد ازاین نیرو استفاده نکنند ، نفهمی ازخودنشان داده‌اند . ولی مامعتقدیـم کما مراجعهٔ جدی و پیگیری‌می‌شود این سدهای‌مصنوعی راکه‌درمقابل شرکت‌موثر نیروهای توده‌ای مادراین مبارزهٔ‌انقلابی هست ، ازبین برد . تجربـه درشهرهای جنوب ، درخوزستان ،نشان‌داده کماین کاملاً "امکان‌پذیر است ونیروهای سالم وصدیق واقعا "ضدامپریالیستی‌وانقلابی‌مسلمان گرچه درابتدا باپیش‌داوری‌های بسیارمنفی نسبت به‌حزب‌ما ،باحزب ما ، بارفقای ما روبرو می‌شوندولی درعمل‌خیلی زودباواقعیت آشتی می‌کنند واین همکاری صمیمانه رامی‌پذیرند وکمک می‌کنندبرای ایـن شرکت ، اعضای حزب توده‌ٔایران علاوه‌بر شرکت مستقیم دردفع این تجاوز ، انواع واقسام کمک‌ها رابرای برقراری نظم درداخل شهرها ، برای معرفی عناصرتحریک کننده‌ٔضدانقلاب ، برای کشف گروه هـای ضدانقلابی ، برای جلوگیری باافشای گروه‌هایی که‌احتکار می‌کننـد و دشواری‌های دیگری به‌وجود می‌آورند ، تقلب‌می‌کنند ،بنزین‌قاچاق می‌کنند وغیره ، انجام می‌دهند . درتمـام این زمینه ها توده‌ای ها می‌توانند عمل کنند ، کارکنند وباکارخودشان به‌تقویت بنیهٔ مقاومت جمهوری اسلامی درمقابل تجاوز نیروهای بیگانه ،کمک‌رسانند .این‌ها وظایفی است‌که مابایددر لحظهٔ‌کنونی انجـام دهیم و این به‌نظر ما عبارتست ازیک آموزش‌برای طوفان‌های‌هنوز سهمگین‌تری که‌درارتباط باتدارکات خیلی وسیع تر تجاوزامپریالیسم آمریکا به‌ایران ، مادرپیش خواهیم داشت . این آزمایش کمک‌خواهدکرد کـه در مبارزات آینده مسلماً " نیروهای توده‌ای مادوش‌بدوش سایرنیروهای انقلابی بتوانند وظیفهٔ مقدس خودشان رابرای دفـاع ازانقلاب ، از دست آوردهای انقلاب ما وتحکیم وگسترش بـازهم بیشتر آن در زمینـهٔ سمت‌گیری ضدامپریالیستی وخلقی‌خودش ، انجام دهند .

س : درسخنان چندی‌قبل امام‌خمینی درباره‌ٔ نتایج جنگ ، مطلبی هم دربارهٔ مجاهدین خلق وچریک‌های فدائی خلق وجود داشت ، آیا این سخنان رامی‌توان به‌عنوان دادن فرصت دیگری‌به‌این‌گروه‌ها که می‌توانند درجبههٔ متحد خلق باشند ، تلقی کرد ؟

ج : دوستان عزیز ! مادربارهٔ ماهیت گروه‌های سیاسی ،وگروهای سیاسی چپ وبه‌ویژه درمورد دوگروه‌باأهمیت این‌جبهه‌یعنی سازمان مجاهدین‌خلق وسازمان چریک‌های فدایی خلق (مقصودم سـازمان اکثریت است) ، تابه‌حال به‌طور مشروح نظرخودمان راگفته‌ایم ، نظر حزب ما این است که افرادتشکیل دهندهٔ این سازمان‌ها به‌طورعمده افرادی هسـتند ضدامپریالیست ، طرفدار آزادی ، طرفدار استقلال ملی ، طرفدار پیشرفت اجتماعی و تغییرات بنیادی به سود جامعه ، به‌سودمحرومان جامعه ، یعنی افرادایـن دوسازمان درموضع گیری‌های سیاسی عمده‌ٔاستراتژیک سازمان‌های خـود ، این هدف‌ها را مورد تایید قرارمی‌دهند . ما باهرچریک فدایی اکثریت وباهر مجاهدی‌که صحبت کنیم ، این هدف ها رامی‌پذیـرد و قبول دارد . ولی در موضع گیری‌های سیاسی مشخص ازشروع انقلاب تاکنون به‌نظر ما این دوسازمان تاکنون اشتباهات خیلی‌حدی داشته‌اند .

تفاوت‌ما باسایرگروه‌های‌سیاسی و شخصیت‌های‌سیاسی درقضاوت همین‌است که‌مامیان ماهیت یک‌سازمان سیاسی‌وموضع گیـری‌موقت رهبری این سازمان ها "این‌همانی" قایل نیستیم . در مورد عراق هم دیدید که‌ماهمین صحبت‌راکردیم . مامعتقدیم که‌رهبری‌مجاهدین‌خلق به‌ویژه رهبری سازمان چریک‌های فدایی خلق در دورانی که تاچند ماه‌قبل ادامه داشت ، اشتباهات بسیاربسیارجدی درموضع گیری‌های سیاسی مشخص نسبت به مسائل مشخص روزانقلاب مرتکب شدند که عواقب بسیار منفی درجهت دورکردن نیروهای جبههٔ‌متحد خلق‌از هم دیگر به‌بارآورده‌است ، مامسئولیت اشتباهـات رهبری سازمـان مجاهدین خلق رااز‌مسئولیتی که حماسه‌های افـراطی قشری درجهت دورکردن نیروهای جبههٔ‌متحدخلق آرهم دیگـر داشته‌اند ، واقعا " کمتر نمی‌دانیم . اشتباهات آن‌ها نیزهمان‌قدر اثرگذاشته‌است .ولی باوجود همهٔ‌این اشتباهات‌ما معتقدنیستیم که‌نیروهای‌هوادارسازمان مجاهدین‌خلق ، حقانیت خودشان ،صلاحیت‌خودشان را برای‌شرکت درجبههٔ‌متحد خلق که ما پیشنهاد می‌کنیـم ، از دست داده‌اند .

به‌هیچ وجه مامعتقد نیستیم وامیدواریم که‌رهبری سازمان مجاهدین خلق نیز ، همان‌گونه که‌رهبری سازمان چریک‌های فدایی خلق بخش قابل توجهی ازموضع گیری‌های خودش‌راتصحیح‌کرده ،بتواندموضع ـ گیری‌های اشتباه‌آمیز خود راتصحیح کند . امیدواریم که تجربه های تلخ گذشته موجب شودکه‌سازمان مجاهدین خلق چنین تصحیحی را درموضع‌گیری‌های خودش انجام دهدو بتواند درجهت‌نزدیک‌کردن جبههٔ‌متحدخلق اثرمثبت ومشخص بگذارد .

درمورد سازمان چریک‌های فدایی‌خلق ،ما ازاین‌که طی‌ماه‌های اخیر آن‌ها توانسته‌اند برخی ازاشتباهات گذشتهٔ خـود را تصحیح کنند ، خوشحال هستیم ، علی‌رغم آن‌که همهٔ‌این گرایش‌های مثبت تصحیح اشتباهات ، بامقداری هم "مدح‌وثنا " به معنای منفی‌اش در بارهٔ‌حزب ماتوام بوده‌است‌واین‌دوستان برای‌این‌که‌درمقابل‌حملات چپی‌های‌خویش ،یک‌کمی‌خودراحفظ کنند ،چهارتافحش‌هم‌به‌ما می‌دهند وبعدهم‌می‌گویند که‌حزب نوده شش ماه پیش ، ـ ازموضع گیری های "اپورتونیستی " اش به‌همان نتیجه‌ای رسیدکه‌ماشش ماه بعد ـ از مواضع انقلابی به‌آن رسیده‌ایم . ازاین شوخی‌های بی‌مـزهٔ ناشی‌از جوانی اگرمابگذریم ، بااین تصحیح‌هایی که سازمان چریکهای‌فدایی خلق اکثریت درموضع گیری‌های خودشان کرده‌اند ماجدا " خوشحال هستیم ومعتقدیم‌که این‌روندادامه‌پیداخواهد کردوسازمان‌چریک‌های فدایی خلق نمی‌تواند وسط‌زمین وآسمان بماند ، یعنی بالاخره‌باید یااین روند رادرجهت تصحیح همه‌جانبهٔ مواضع اشتباهی خودش ادامه بدهد ویااین‌که باز برگردد به‌جمع اقلیت خودش .

ولی باملی که الان بازبه یک مسئلهٔ‌دشواردرزمینهٔ‌جمع‌آوری نیروهای هوادار انقلاب تبدیل شده ، این است‌که ماچهارتاسازمان چریک‌های فدایی خلق داریم . البته این‌مطلب برای ما قابل فهم است و مامی‌توانیم فورا " بفهمیم که‌این "اکثریت " است ، "اقلیت" است ، "راه‌کارگر" است ، "راه‌اشرف " است وفلان وفلان‌است . این راماوفوری تشخیص‌می‌دهیم ،ولی‌برای‌مردم ازاین‌نظرکه‌کسانی‌بخواهند ایجادشبهه کنند،این‌وضع ، وضع ناسامعدی‌است . یعنی‌هراعلامیه‌ای که به‌امضای چریک‌های فدایی خلق درآیدما فورا " می‌فهمیم که این مربوط به "گروه‌اشرف " است یابه‌آن گروه‌به‌کلی انحرافی است ، ولی همهٔ مردم که این‌ها رامتوجه نمی‌شوند . پس بر سازمان چریک‌های فدایی خلق است که‌برای این مساله هم یک راه‌حلی پیدا‌کنند .البته راه‌حل آسان وساده این است که‌سازمان چریک‌های فـدایی خلق به حزب توده‌ٔ ایران به‌پیوندد ، بدین طریق خودش‌راخلاص خواهد کرد از "گروه اشرف " و "گروه اقلیت " و "گروه راه‌کارگر " و از سایـر "پیکاری‌ها" . این ساده‌ترین راه است . مامدت‌هاست به آن‌ها این پیشنهاد رامی‌کنیم . بطورجدی به‌این دوستان پیشنهاد می‌کنیم‌که خوب دیگر مساله به‌این‌جا رسیده‌است که‌وحدت نیروهـای اصیل طرفدار سوسیالیسم علمی رابه‌عنوان مساله‌ٔروز مطرح‌کنیم وجـلوی دوستان خودمان بگذاریم ، به‌نظر من‌درداخل حزب توده‌ٔ ایران ما حتی یک رای مخالف هم‌برای چنین وحدتی نخواهیم داشت . البته ما این رابه‌صورت مکانیکی نمی‌گیریم که سازمان چریک‌هـای فدایی خلق بیاید وبگوید که آقامن عضو حزب توده‌ٔ ایران شـده‌ام . مـا به‌هیچ‌وجه مساله رابه‌این شکل مطرح نمی‌کنیم ، ولی بحث حدی در بارهٔ‌ این مساله که‌به چه‌شکل می‌شود به چنین وحـدتی رسید و چه مراحلی رابایدبگذرانیم تابه این وحدت سازمـانی و ایدئولوژیـک برسیم ، این رادیگرمی‌شود به‌عنوان‌مساله‌ٔروزمطرح‌کرد‌وازاین‌جهت ما امیدواریم که‌سازمان چریک‌های‌فدایی‌خلق روندی راکه‌دراین چند ماههٔ اخیرطی کرده‌است ، ادامه‌بدهد .

و اما دربارهٔ سازمان مجاهدین خلق ، دربارهٔ آنهـا با کمال تأسف بایدبگوییم که ما هنوز بطور محسوس شاهد هیچ پدیـده‌ای از آمادگی برای تصحیح اشتباهاتشان نیستیم . ماچندین باربرای یک گفتگو ، یک بحث ، یک تبادل‌نظر ، به‌سازمان‌مجاهدین‌خلق مراجعه کردیم ، ولی متاسفانه‌آنها خطی‌راکه "اقلیت "چریک‌های‌فدایی‌خلق دنبال می‌کند ، یعنی‌خط‌جنگ‌انداختن به‌روی‌جبههٔ‌واقعی‌نیروهایی، راکه الان با امپریالیسم آمریکا می‌جنگند ، هنوز ادامه‌می‌دهند واین خطی نیست که‌مبود تجمع نیروها ، به‌سودتمرکز همهٔ‌نیروها بـرای دفاع درمقابل خطری باشدکه الان امپریالیسم‌آمریکا برای انقـلاب ایران ایجاد کرده است ، من خیال می‌کنم که‌مبارزان توده‌ای ما و هواداران حزب توده‌ٔایران باید بکوشند همه جا با مجاهدین‌خلق بحث ،وجود آورند واین بحث راجدا " دنبال‌کنند ، ممکن‌است‌آنها به‌دستور رهبری خودشان ازاین بحث فرارکنند ، ولی خوب ،ماشاهد بودیم که‌سازمان چریک‌های‌فدایی‌خلق هم‌مدت‌های طولانی به‌افراد خود دستور داده بودکه باتوده‌ای‌ها بحث نکنند ،مطبوعات توده‌ای رانخوانند ، انتشارات توده‌ای را نخوانند ، همهٔ‌اینهاغدغن بود ، ولی خوب زندگی این دستورها راشکست داد .

ما عقیده‌داریم که افراد توده‌ای ما بایـد در چارچوب برنامهٔ استراتژیکی که سازمان مجاهدین خلق برای‌خودشان تهیه‌دیده‌اند ، بحث باآنها راشروع کنندو آنهارابه موضع‌گیری‌های سیاسی اشتباه‌ـ آمیزشان متوجه سازند ، به‌نظر ما اگر تصحیح سیاسی در کـارسازمان مجاهدین خلق به‌وجودبیاید ونیز اگرسازمان چریک‌های فدایی‌خلق باموضع‌گیری‌های کنونی خودشان بتوانند خودرا ازشربقیه‌ٔ گروه‌های چریک‌های فدایی خلق که‌دائماً " در جهت مخالف آن‌ها اعلامیـه صادر می‌کنند ، به‌شکلی‌خلاص‌کنند ، دروضعی که‌الان به‌وجودآمده‌و به تجمع نیروها کمک می‌کند ، مسلماً " اثرخواهد گذاشت .

البته یک طرف دیگر مساله هم نیروهای افـراطی‌راست قشری هستند که‌درجهت جدایی نیروهای مبارز مسلمان پیروخط امـام از دیگر نیروهای مبارز خلق عمل می‌کنند . عمل آن‌ها هم مسلماً "تاثیر خودش راخواهد گذاشت یعنی مانمی‌خواهیم این‌طـور ادعا کنیم و ساده‌بینی کنیم که‌تنها باتصحیح موضع‌گیری سیاسی ازطرف سازمان مجاهدین‌خلق وباروشن‌شدن بیشترموضع‌گیری‌سیاسی سازمان‌چریک‌ـ های فدایی خلق همهٔ‌دشواری‌ها ازسرراه تشکیل جبههٔ‌متحد خلـق برداشته شده است . نه‌ازاین طرف بـرداشته شده است ، ولـی از آن طرف هنوز این دشواری‌ها ، پیش‌داوری‌هـا ، موضع گیـری ها و ارزیابی‌های نادرست سیاسی به‌طورجدی وجود دارد .

همان‌طور که‌مامضمون مقالهٔ‌اخیر دربارهٔ سالگردسی‌ونهمین‌سال حزب اشاره‌کرده‌ایم ، تشکیل جبههٔ‌متحدخلق ، هم درزمینهٔ داخلی و هم درزمینهٔ سیاست جهانی‌احتیاج دارد‌به‌یک‌سلسله شناخت‌های تازه‌ای ازطرف نیروهای مبارز مسلمان ، شناخت در باره ٔ اصالت و واقعیت مبارزان راه‌سوسیالیسم علمی وسایر مبارزان توده‌ای و خلقی درچارچوب انقلاب ایران ، شناخت دربارهٔ دوستـان وپشتیبانـان انقلاب ایران درصحنهٔ‌جهانی . این شناخت‌ها اگر واقعـا " گسترش یابد وعمیق شود ، آن‌وقت می‌توان گفت که دیگـر شرایط‌لازم برای هموارکردن راه‌تشکیل جبههٔ‌ متحد خلق در ایـران فراهم است و بولدوزرهای لازم برای صاف کردن جاده‌به‌وجود آمده‌اند . ما خـط جاده رانشان داده‌ایم وبرای به‌کاراندا‌خنن بولدوزرها جهت هموار کردن راه ، آمادگی سایر نیروها هم ضرورت .

س : درجلسهٔ "پرسش وپاسخ" ۱۲ شهریور ماه ۱۳۵۹ ،گفتن آن درنامهٔ "مردم" (شماره‌های مورخ ۲۹ـ ۳۱شهریور) درج شد ، نام ایران جزو ۱۲ کشوری آمده‌است که‌سمت‌گیری‌سوسیالیستی دارند .

ج : این باید اشتباه‌باشد . یادرپیاده‌کردن نوار و یا شاید در خود نوار . منظور اصلی صحبت من‌این بودهاست که‌درسالهای دههٔ ۷۰ تغییرات بنیادی بسیار عمیقی دریک سلسله ازکشورهای "جهان سوم " پدیدآمد وکشورهای زیادی سمت‌گیری‌سوسیالیستی رابرگرفتند

بقیه در صفحه ۷

صنایع نفت ایران و مقتضیات بازسازی آن در زمان جنگ و پس از آن

تجدیدنظر اساسی در وضع صنعت نفت ایران (شامل صنایع نفت، گاز، پتروشیمی، توزیع و فروش داخلی و خارجی) از ضروری‌ترین مسائل انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی بود. این تجدیدنظر در جهت خارج ساختن اقتصاد ایران از وابستگی شدید به فروش نفت خام، تکیه بر توسعه صنایع پالایش و تولید فرآورده‌های نفتی، توجه به رشد سریع و پرتوان استفاده از منابع گاز، چه به منظور تامین سوخت، و صدور آن به بازارهای بین‌المللی و چه بویژه بخاطر توسعه همه‌جانبه صنایع پتروشیمی با از میان‌برداشتن وابستگی کامل صنایع نفت، گاز و پتروشیمی ایران به بازار امپریالیستی، چه از لحاظ فروش فرآورده‌های این صنایع و چه از نظر خرید وسائل صنعتی ودریافت خدمات، صرفه‌جوئی کامل در صرف ارزهای حاصل از فروش نفت، اختصاص درآمدهای نفت به سرمایه‌گذاریهای صنعتی و تولیدی، کشانیدن صنایع نفت‌و پتروشیمی بداخل کشور و نظایر این اقدامات، از کارهائی بود، که می‌بایست از همان روز پس ازپیروزی انقلاب مورد توجه جدی قرار می‌گرفت.

در صورتی که زمام دولت به افراد مومن به هدفهای ضدامپریالیستی و خلقی انقلاب سپرده می‌شد، بدون شك تجدید نظر اساسی در وضع صنعت نفت ایران و اتخاذ سیاست فعال ضدامپریالیستی درنفت، بهمانگونه که حزب ما از همان اوائل انقلاب‌در صفحات نامه «مردم» و «دنیا» مطرح کرده، بسهولت صورت می‌گرفت و یکی از وظایف مهم انقلاب، که مسلما تاثیر شگرف در روند آتی آن داشت، از قوه بفعل درمی‌آمد.

لیکن، چنانکه می‌دانیم، ابتدا در دولت گام‌بگام زمام صنعت نفت ایران به افرادی نظیر نزیه‌ها سپرده شد، که هم‌اکنون در صف ضدانقلابیون قرار دارند، و پس از آن در دوران شورای انقلاب هم تحولات جدی در صنعت نفت ایران صورت نگرفت. در این دوره نیز بجای اتخاذ سیاست فعال ضدامپریالیستی در نفت،عملا سیاست تسلیم قدم به قدم به محدودیت‌ها و مشکلاتی در پیش گرفته شد، که دول و محافل‌امپریالیستی،یکی پس‌از دیگری، برای فعالیت، مجموعه صنعت نفت‌ایران بوجود می‌آوردند و هدفشان سوق دادن صنایع نفت، گاز و پتروشیمی ایران به رکود و توقف و عاطل نگاه‌داشتن امکانات فنی و نیروی انسانی در این صنایع و کشانیدن آن به خرده‌کاری بود، که با طبیعت چنین صنایعی سازگار نیست.

دولت جدید انقلاب بریاست نخست‌وزیر آقای رجائی و وزیر جدید نفت آقای تندگویان وارث چنین وضعی در صنعت نفت ایران‌اند، که از یکطرف تجدید نظر اساسی ضرور مناسب با هدفهای انقلاب ضدامپریالیستی و خلقی در صنایع نفت ایران انجام نشده، و از طرف دیگر مجموعه صنایع نفت، گاز و پتروشیمی ایران در دوران ۲۰ ماه پس از انقلاب، بر اثر فشار دول و محافل امپریالیستی و ندانم‌کاری مسئولین وقت به رکود و توقف کشانیده شده است. این وضع، همراه با تجاوز وسیع نظامی دارو دسته صدام‌حسین،با تکیه بر حمایت امپریالیسم امریکا، که هدف عمده و مشخص آن درهم کوبیدن کامل صنایع نفت کشور ماست، طبیعی است که مشکلات بسیار جدی برای کشورما، بویژه در زمینه صنایع نفت بوجود آورده، که ستون فقرات اقتصاد ملی را تشکیل می‌دهد، و چه در حال و چه در آینده،به‌حفظ و پیشرفت همه‌جانبه‌و واقعی آن احتیاج مبرم داریم.

روشن است که در این شرایط ما به اتخاذ سیاست دقیقا علمی و محاسبه‌شده‌ای در نفت احتیاج داریم، که نه تنها با مقتضیات تامین دفاع کشور و شکست و طرد متجاوز هماهنگی داشته باشد، بلکه تجدیدنظر اساسی در مجموعه صنایع نفت ایران را بسود تامین استقلال کامل اقتصادی، پیشرفت سریع‌و همه‌جانبه اقتصاد ملی، منجمله خود صنایع نفت را، بعنوان حلقه اساسی در نیل به رشد اقتصادی،افزایش درآمد ملی و تامین رفاه را موجب گردد.

در زمینه صنایع نفت، گاز و پتروشیمی و همه صنایع جنبی و وابسته به آن، با درنظر گرفتن اینکه درمورد این صنایع ما نه‌تنها با الزامات داخلی، بلکه با الزامات بازار جهانی مواجه هستیم، دولت جدید انقلاب و وزارت نفت با چنین مسائلی روبرو هستند. حل و فصل صحیح این مسائل از نظر روند حال وآتی انقلاب و مسائل دفاع کشور در برابر تجاوز و تهاجم نظامی و اقتصادی امپریالیسم آمریکا و دست‌نشاندگان آن، حائز اهمیت فوق‌العاده است.

هنوز دولت جدید انقلاب و وزارت نفت همه حرفهای خود را در زمینه انطباق صنایع نفت، گاز و پتروشیمی و صنایع جنبی و وابسته به این صنعت، منجمله مسائل بین‌المللی بهره‌برداری از نفت ایران نگفته‌اند. این تاخیر در بیان نظریات همه‌جانبه دولت در مسئله نفت در شرایط خاص کنونی، گرچه مطلوب نیست، اما بهرحال قابل تبرئه است. با اینحال آنچه را هم که وزیر نفت آقای تندگویان، در تشریح سیاست دولت جدید بیان کرده‌اند، مبین تحولات جدی مثبت در نظریات مقامات مسئول در مسئله مهمی مانند مسئله نفت است، اگرچه از توهماتی که، اینجا و آنجا ادامه همان سیاست سابق را القا می‌کند و موجب نگرانی می‌شود، مبری نیست.

آقای تندگویان، وزیر جدید نفت، در مصاحبه روز شنبه ۱۲ مهر ۵۹ خود، در بیان ،ئوس خط‌مشی نفتی ایران در حال و آینده بدرستی متذکر شد که:

«نفش نفت در اقتصاد ایران به منزلهٔ نقش‌خون در بدن است و ایجاد تحرك می‌کند» و «ما معتقدیم نفت در جامعه باید همین نقش‌را ایفا کند».

این بیان، که تذکر درستی از نقش نفت نه‌تنها در حیات کنونی، بلکه در حیات آتی اقتصاد کشور ماست و می‌توان از آن چنین استنباط کرد که، وزیر نفت نه‌تنها برای نقش کنونی نفت در اقتصاد ایران، بلکه برای نقش آن در اقتصاد آینده ایران نیز مهم‌ترین نقش را قائل است، البته مورد تایید کامل است.

نظر آقای وزیر نفت پاسخ درست به مسئولینی است که، نقش نفت را در اقتصاد ایران تا مرحله کسب درآمد پائین می‌آورند و متوجه نیستند که نفت نه‌تنها از جهت درآمد، بلکه بویژه از نظر ایجاد کار وتحرك و پویائی اقتصادی باید مورد توجه قرار گیرد. صنایع نفت می‌تواند و باید بعنوان مرکز ثقل صنعتی شدن ایران مورد توجه باشد و بهترین ثمرات رشداقتصادی و پیشرفت اجتماعی را در کوتاهترین زمان ببارآورد.

هم‌چنین این توجه وزیر جدید نفت بجا و مورد تایید است که می‌گوید:

«نفت در گذشته برای ایران به منزلهٔ کالای موردنیاز بازار جهانی امپریالیستی و تحکیم سلطه امپریالیسم تلقی و بدون ارتباط با نیازهای رشد اقتصادی‌ایران‌و جدا از اقتصاد بدون‌سنخیت‌با فرهنگ کشور ما رشد یافته است.»

اکنون، بگفته وزیر جدید:

«نفت یك کالای سیاسی ـ اقتصادی در کشور ما محسوب می‌شود» که باید برای تامین استقلال و خروج از زیر سلطه سیاسی از یکطرف، و ایجاد صنایع جدید و زنجیره‌ای در سطح کشور از جانب دیگر، بکار برده شود.

تلقی وزیر جدید از نفت، بعنوان کالای‌سیاسی‌ـ اقتصادی از یکطرف پاسخ درست و دندان‌شکنی‌به لیبرالهای وطنی است، که حرفشان اینست: «ما باید به فروش نفت خود به ارز معتبر نظر داشته باشیم، ولو اینکه خریدار بعدا همان نفت را وسیله تجاوز نظامی و ریختن بمب به روی‌سر ما و پایمال کردن‌استقلال‌مان قرار دهد.»

از جانب دیگر، تعبیر وزیر جدید نفت از نفت بعنوان کالای سیاسی‌ـاقتصادی جواب صحیح به بخش دیگری از همین محافل است، که معتقدند ارز حاصل از فروش نفت، مانند سابق، باید وثیقه هزینه‌های جاری دولتی و یا حتی ادامه وابستگی کالائی ایران‌به دول امپریالیستی از طریق صرف آن برای واردات کالا، آنهم بدست سرمایه‌های خصوصی باشد.

بایان اینکه نفت دیگر تنها مواد اولیه نبوده و کالای ساده صادراتی نیست، بلکه کالائی سیاسی‌ـ اقتصادی است، دولت جدید انقلاب سیاست نفتی خود را ماهیتاً از سیاستی که تا امروز بر استفاده از نفت ایران حاکم بود، متمایز ساخته است. از این بیان میتوان چنین استنباط کرد، که دولت جدید انقلاب، صدور نفت ایران بصورت ماده خام و کالائی که فقط نیازمندیهای ارزی ایران را به واردات کالاهای‌مصرفی برآورد، مذموم می‌شمارد و نفت‌را کالائی، که باید به تامین استقلال اقتصادی‌ـ سیاسی ایران خدمت کند، بشمار می‌آورد، این البته گام مهم و مثبتی در تحول سیاست نفتی دولت انقلاب بشمار می‌رود، که کاملا مورد تایید ماست. آنچه در اینجا می‌توان اضافه کرد، فقط اینست که: از همین ابتدا باید به صرف درآمد نفت در ایجادصنایع زیربنائی و مادر توجه داشت. تنها این سیاست است، که هم رشد سریع اقتصادی و صنعتی شدن واقعی کشور و هم تامین دفاع موثر نظامی در درازمدت را تضمین خواهد کرد.

کشانیدن مراکز صنعت نفت به جنوب و نقاط‌مرزی جنوب غربی، با اینکه ایران از همان ابتدای قرن امکان بهره‌برداری از حوزه‌های نفتی در سایر نقاط ایران را نیز داشت و صنایع نفت، در این نقاط می‌توانست ایجاد شود، از سیاستهای شناخته شده امپریالیستی است. این سیاست خائنانه را ابتدا شرکت غاصب انگلیسی نفت در پنجاه سال اولیه تسلط خود، و سپس در مقیاس وسیعتر کنسرسیوم بین‌المللی‌نفت، در ۲۵ سال اخیر سلطه خود بر صنایع نفت ایران، به اجرا گذاشت. گذشته از بلادفاع ساختن تاسیسات عظیم نفتی، بخصوص پالایشگاهها و واحدهای عظیم صنایع پتروشیمی، هدف امپریالیسم و انحصارات نفتی از این مراکز در نوار مرزی جنوب و جنوب غربی، جلوگیری از ارتباط صنایع نفت و پتروشیمی با اقتصاد ملی ایران بود.

شرایط کنونی جنگ یکبار دیگر بوضوح‌تمام آسیب‌پذیری صنایع نفت و پتروشیمی را در برابر تجاوزات نظامی رژیم‌ای‌دست‌نشاندهٔ دول امپریالیستی نشان داد. در این شرایط کاملا واضح است که همچنانکه وزیر جدید نفت متذکر گردیده ـ هدف ما باید آن باشد که، در آینده صنایع نفت و پتروشیمی را بویژه در داخل کشور و در مراکز مختلف تمرکز دهیم، تا نه‌فقط از آسیب‌پذیری این صنایع در برابر حملات نظامی بکاهیم، بلکه بخصوص اصل‌مهم‌مرتبط ساختن صنایع نفت، گاز و پتروشیمی با اقتصاد ملی ایران را، که مشی استراتژیك رشد اقتصادی دولت انقلاب خواهد بود، از قوه بفعل درآوریم.

رشد صنایع گاز و پتروشیمی، با در نظرگرفتن این امر که کشور ما از لحاظ ذخایر گاز غنی‌ترین منابع را در جهان سرمایه‌داری در اختیار دارد وصنایع پتروشیمی با دارابودن صدها و هزارها رشته مختلف صنعتی و تولید، دهها هزار محصول متنوع، نقش عظیمی در اقتصاد کنونی و آینده جهان دارد، باید از اولویت خاصی برخوردار باشد.

این امر که وزیر جدید نفت به هر دوی این مسائل اشاره کرده و بدرستی متذکر شده است که: وظیفه ماست که از گاز استفاده کنیم، به صنعت پتروشیمی محتوی بدهیم و نفت را به سوی تولید کالاهای پتروشیمی سوق دهیم، بیانگر توجه مسئولین دولت کنونی انقلاب به حل مسائل اساسی بهره‌برداری از ذخایر نفت، گاز و صنایع پتروشیمی است.

لیکن تذکر بجائی که در همین‌جا باید به‌مسئولین وزارت نفت داد، اینست که: اگر آنها بخواهند به استفاده از گاز و تولیدات صنایع پتروشیمی فقط در حجم تامین سوخت داخلی و گازرسانی به نقاط‌روستائی و یا رشد صنایع پتروشیمی فقط در چارچوب نیازهای داخلی برخورد کنند، نتایج مفید و صحیحی از این برداشت بدست نخواهد آمد. باید توجه داشت که به استفاده از منابع گاز و رشد صنایع پتروشیمی، با امکانات عظیمی که ایران در اختیار دارد، باید در چارچوب تقسیم کار بین‌المللی، و اینکه ایران می تواند بازار جهانی عظیمی،هم درکشورهای سوسیالیستی و هم در کشورهای سرمایه‌داری، برای فروش گاز و محصولات پتروشیمی داشته باشد، برخورد شود و چنین پایه و اساسی برای رشد صنایع گاز و پتروشیمی‌ایران آینده در نظر گرفته شود.

همین مطلب درمورد صنایع نفت ایران مطرح است که، بهرحال مشتقات فرآورده‌های آن می‌تواند بازار جهانی وسیعی را در اختیار داشته باشد و منافع ایران و کشورهائی را، که آماده‌اند با ما روابط برابر حقوق و با سود متقابل اقتصادی و بازرگانی داشته باشند، تامین کند.

در ارتباط با مسائل اخیر باید متذکر شد که، بطور کلی صنایع نفت، گاز و پتروشیمی، صنایعی عظیم هستند. این صنایع قبل‌از آنکه به‌مقیاس‌اقتصادی کشورها مطرح باشند، به مقیاس اقتصاد جهانی وتقسیم کار بین‌المللی مطرح هستند. به رشد این صنایع نمیتوان و نباید از دریچه محدودیت‌های محلی، بلکه با دید وسیع جهانی، که مسلما تامین کامل منافع ملی بطور همه‌جانبه باید در مرکز آن‌قرار داشته‌باشد، باید نگریسته شود.

نفت و گاز و صنایع پتروشیمی ایران، تا قبل از انقلاب و بمدت بیش از هفتاد سال در تسلط امپریالیسم و انحصارات غارتگر بین‌المللی نفت بود. در این دوران طولانی، ما از داشتن استراتژی مبتنی بر تامین منافع ملی، در عین داشتن ارتباط با بازار و اقتصاد جهانی محروم بودیم. اکنون، برکت پیروزی انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی، فرصت تدوین و اجرای چنین استراتژی بدست ما افتاده، که باید وسیعا و فعالانه از ان استفاده کنیم و آن را وثیقه تامین پیروزی‌قطعی و نهائی انقلاب و پیشرفتهای همه‌جانبه ناشی از آن قرار دهیم.

سیاست نفتی ما درمجامع ضدامپریالیستی، مانند سازمان کشورهای صادرکننده نفت اوپك‌و نظایرآن نیز با همین برداشت اخیر، یعنی احتراز از انزوا و گوشه‌گیری و استفاده فعال از هرجا و ترپیونی که‌ما اجازه دهد امپریالیسم و انحصارات غارتگر نفتی، را از مواضع اشغالی و غارتی برانیم، باید اتخاذ شود.

انحصارات غارتگر نفتی، بدون ادامه سلطه بر منابع نفتی کشورهای نفت‌خیز در حال رشد و غارت این منابع، قادر به ادامه حیات نیستند. بنابر این ما بعنوان کشوری دارای ذخایر عظیم نفت و گاز ـ تا هنگامیکه مبارزه ضدامپریالیستی، با محو کامل‌سلطه انحصارات بین‌المللی نفت نتیجه‌بخش نشده ـ با آنان درگیر خواهیم بود. چنین وضعی مستلزم آنست که، ما نه‌فقط به ریشه‌کن ساختن هرنوع سلطه امپریالیسم و انحصارات نفتی بر ذخایر و صنایع نفت و گاز خود در همه مراحل این صنعت از اکتشاف و استخراج گرفته تا تصفیه و صدور و فروش نفت قائل شویم، بلکه در طرد امپریالیسم و انحصارات غارتگر نفتی از دیگر مواضع غارتی خود در کشورهای نفت‌خیز در حال رشد و در بازار جهانی نفت کوشا باشیم.

وصول به این هدف، مستلزم در پیش گرفتن سیاست فعال ضدامپریالیستی در نفت، هم در بهره‌برداری از منابع کشور و هم در صحنه بین‌المللی، از داخل‌اوپك،گرفته‌تا توزیع و بازار بین‌المللی‌نفت‌است.

در شرایط خاص جنگ امروز، که رژیم صدام حسین به اغوای امپریالیسم امریکا، آن را به کشور ما تحمیل کرده، وچنانکه خاطرنشان ساختیم، محو کامل صنایع نفت ایران از هدفهای اصلی اقتصادی آنست، دفاع موثر از هر واحد صنعت نفت، از چاههای نفت گرفته تا فروشگاههای بنزین، وظیفه جدی دولت، همه مردم، بخصوص کارکنان صنعت نفت ایران‌است. بویژه باید دفاع پالایشگاههای نفت در داخل کشور را در برابر خطرات حملات هوائی تامین کرد و به بازسازی فوری هر خسارتی که به شبکه وسیع صنایع نفت وارد می‌آید، پرداخت.

مردم ایران، بخصوص کارکنان صنایع نفت، با تمام نیرو از همه واحدهای صنایع نفت ایران دفاع می‌کنند، و چنانکه نمونه زحمتکشان در خوزستان‌نشان میدهد، در نبرد با دشمن متجاوز به دفاع از وجب به وجب خاك کشور عزیز خود بپا نثار خون خویش، مشغولند. وزارت نفت، ضمن توجه به مسائل اساسی دیگر، در شرایط کنونی می‌تواند و باید در کنار نیروهای دفاعی همه امکانات عظیم خود را برای شرکت موثر کارکنان صنعت نفت در دفاع، بازسازی و تامین فعالیت عادی صنایع نفتی و گاز ایران تجهیز کند.

ما در انجام این وظیفه و وظایف مهم دیگر، هم برای نفتگران مبارز ایران و هم مسئولین جدید وزارت نفت آرزوی موفقیت می‌کنیم.

ببرك کارمل: امپریالیسم وارتجاع به‌جنگ اعلام‌نشده‌علیه انقلاب افغانستان ادامه میدهند

ببرك کارمل رهبر افغانستان، در اجتماع نمایندگان جوانان کابل گفت که امپریالیسم و ارتجاع به جنگ اعلام نشده علیه انقلاب افغانستان ادامه میدهند.

وی گفت که‌مزدوران واوباشان، تحت دستاویزهای مختلف، از جمله با سوء استفاده از نام‌مقدس‌اسلام، برای خرابکاری و کشتن افراد بیگناه به‌کشور نفوذ می‌کنند.

کارمل گفت که آمریکا، چین و پاکستان کماکان به این‌مزدوران کمك میکنند، اما این توطئه‌ها راه بجائی نمی‌برد و مردم انقلابی افغانستان پیروزمندانه مسیر انقلاب کشور را طی خواهند کرد.

بازداشت رهبران حزب کمونیست پاراگوئه ادامه‌دارد

گزارشهای رسیده حاکیست که آلفردو آلکورتا، دبیردوم کمیته مرکزی حزب کمونیست پاراگوئه، در بوئنوس‌آیرس بازداشت شده است. هنوز از سرنوشت این مبارز برجسته پاراگوئه اطلاعی در دست نیست. قبلا نیز آنتونیومایدانا دبیر اول کمیته مرکزی حزب کمونیست پاراگوئه ویك‌رهبر اتحادیه کارگری پاراگوئه در بوئنوس‌آیرس ربوده شده بودند.

تمام قراردادهای اقتصادی و نظامی اسارتگر امپریالیستی باید لغو شود

اعمال فشار بر کارگران توده‌ای بسود انقلاب نیست

امروز میهن انقلابی ما از هر سو با امپریالیسم جهانی و در راس آن "شیطان بزرگ" و دشمن "اصلی" و "شماره یک" محرومین جهان، یعنی امپریالیسم آمریکا درگیر جنگ است. بی‌گمان در جائی ایستاده‌ایم و به راهی می‌رویم که سرنوشت نسل‌های آینده مردم میهن ما، با آهنگ گام‌های ما در راستای جای پای ما رقم میخورد. دست‌های مردم انقلابی ما که درخون نشسته است، رنگ‌های سرخ و شاد قالی مردا رامی‌بافد. در این کارزار "توده‌ای‌ها آماده" دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران‌اند." (اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران، ٥٩/٦/٣٢) در این هنگامه مرگ و زندگی، طبقهٔ کارگر ایران نیز، بگواهی واقعیت زنده جاری، پیشاپیش مردم زحمتکش ما، نه تنها از هر حیث هشیار و در کار، بلکه آماده جانفشانی و ایثار است. درست همین نعش سترگ، والا و تاریخی طبقهٔ کارگر در حفظ، تحکیم و گسترش دستاوردهای انقلاب است که در هر گام و در هر کلام ماراه دارد. طبقهٔ کارگر ایران پیش از همه و بیش از همه با نظام و مفاسد سرمایه‌داری غارتگر امپریالیستی آشناست و بنا به ضرورت، تا آخرین نفس کمر نابودی امپریالیسم بسته است، و در این کار نه تنها کاملا" شاق، که از هر بار ملایق است. ما نیز به گواهی کارنامه غرورآفرین خود و به عین تجارب گرانبها و بینش تاریخی و اصولی خویش جز این نگردیم و نمی‌توانستیم کرد. امروز هر کس که اندکی انصاف در چنته منطق خویش ذخیره دارد، در برابر عملکرد ما، اگر نظر مساعد نداشته باشد، حداقل سکوت را جایز می‌شمارد، و بهر حال اگر کلام بر بنیادی مستند و با شواهدی راستین بدرفه شود، حساب ما پاک است و از محاسبه ما نیز باکی نیست.

این معنی از سوی برخی‌ها ـ متاسفانه ـ چندان مورد توجه نیست. بااینها، که صادق‌اند، ولی به حزب تودهٔ ایران از ورای پندارهای وهم‌آلود و نادرست، پیشداوریهای غلط و رسوبات زهرآگین تبلیغات دشمن می‌نگرند، میتوان و باید سخن گفت و سوءتفاهم‌ها را میتوان و باید برطرف کرد. اما...

هستند دشمنان ما ـ که صد البته دشمنان انقلاب ما هستند ـ که خود را استتار میکنند یا آنکار و در مقام و موضعی مخالف با آنچه که انسانی واصیل و پیشرونده است، با ما هرگز سرآشتی و دمسازی ندارند. ما نیز این دسته را دشمن میداریم و با آنان، همانطور که مقتضی و معمول دشمنی است، مقابله میکنیم. این جبهه، همان امپریالیسم جهانی با شاخک‌های متعدد و کارگزاران مامور و معذور آن است و برای شناختن چهرهٔ آن نگاهی به دور و بر کافی است، یک نظره تاریخ چهل سالهٔ اخیر ایران و نیم نگاهی به مطبوعات امپریالیستی کفتنی‌ها را خواهد گفت.

سخن ما با گروه نخست است که درخانه است و همراه است. هرچند تکرار است، ولی بر خلاف آن ضرب‌المثل معروف، برای آنکه درخانه کس است و اهلیت دارد، یک حرف بس نیست و بسیار وقت‌ها از بازگویی مکرر حقایق گزیری نیست.

ما "اصولی" هستیم. معنای این کلام آن است که با متانت و صداقت، بصراحت و نیز با پهیگیری، از آنچه که واقعا" درست است، دفاع میکنیم و نیز خود را تنها به این دفاع مقید نمی‌کنیم، بلکه در طریق و اسلوب مبارزه جانب مردمی و انسانی را پاس میداریم و برعایت مبانی همراهی و همگامی، برادری و برابری اصرار می‌کنیم. توده‌ای‌ها همواره به اقتضای وجدان انقلابی خویش در این چارچوب مشروط بوده‌اند و هستند. آنها پیوندگان راستین راهی هستند که شالودهٔ آن در بیش از یکصد و سی سال پیش چنین ریخته شد: "کمونیست‌ها همه‌جا برای نیل به اتحاد و توافق احزاب دموکراتیک همهٔ کشورها می‌کوشند." (مانیفست ـ مارکس و انگلس) مطابق این سند برنامه‌ای، ما "همه‌جا از هر جنبش انقلابی" پشتیبانی میکنیم. این است حقیقت یگانهٔ برخورد ما به مسائل جنبش‌های انقلابی و بویژه انقلاب شکوهمند مردم ایران.

امروز دیگر کسی در ادعای خود در این که توده‌ای‌ها گویا صادقانه و پیگیرانه از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران دفاع نمیکنند، کمترین حقی، و نه حق، که کوچکترین بهانه‌ای نیز ندارد. اگر از دستهٔ نخست باشد و چشم دل را گشاده باشد و آفتاب عیان را بروشنی رویت کند، اما باید چشم‌های دل را گشود و پنجره را بروی آفتاب چارطاق کرد. این سخن، بویژه در لحظات کنونی مفهوم ویژه‌ای دارد.

این روزها تلاش‌های زیادی می‌شود تا چهرهٔ ناپاک حزب ما را دگرگون بنمایانند و زمینه سازی متاسفانه در این راستا کم نیست. در این جا به ذکر دو سه نمونه اکتفا می‌کنیم. با این امید که در آینده ما را باشناسنامهٔ واقعی خودمان صدا کنند.

برابر اطلاع واصله از کرمان: "روز چهارشنبه (٥٩/٦/٢٦) بدنبال مصدوم شدن یکی از کارگران کوره‌پزخانهٔ حاج اسماعیلی، که منجر به از دست دادن دست چپ او شده یکی از هواداران حزب توده ایران بجرم عیادت از کارگر مصدوم، خبرگیری و تهیهٔ گزارش از این ماجرا بازداشت شد."

مختصر، کارگری در حین کار آسیب دیده است و رفیقی از هواداران یک حزب قانونی، که مطبوعش بیگر از منافع طبقهٔ کارگر و در انطباق کامل با سمت تاریخی انقلاب در راسا سازمان دفاع می‌کند، در تلاش برای راه یافتن به علل و عوارض این حادثه، خود با حادثه مواجه شده است. انگیزهٔ ماو هواداران ما در پیگیری و بی‌جویی مسائل ریز و درشت کارگری آشکار است. ما در مقام حمایت از زحمتکشان ـ که انقلاب از آن آنان است ـ در زندگی کارگران حضور فعال داریم و باید داشته باشیم و این حضور برای جلوگیری از پامال شدن حقوق کارگران است، نه برای تحریک و توطئه. دامن ما پاک‌تر از آن است که چنان لکه‌ای بر آن باشد. ما از حوادثی نظیر موردی که در کش رفت چماق نمی‌سازیم و آن را بر سر جامعه نمی‌کوبیم. نیز نارسائی‌ها را با ابعاد کاذب و با نیتی سوء عرضه نمی‌کنیم. قصد ما سازندگی است و این را باید آنها که مسئولیتی دارند، و آنجا که پای ما بمیان می‌آید، حتما" در نظر داشته باشند، زیرا اگر جز این، طریق دیگری اختیار شود، آینهٔ عدالت تار میشود و تشخیص دوغ از دوغاب و درست از نادرست دشوار می‌افتد، چنانکه در مورد یکی دیگر از رفقای ما (ابراهیم میرهن) در شیراز چنین شد.

رفیق ابراهیم میرهن بجرم فروش یک روزنامه قانونی (پیام مردم) در مقابل کارخانهٔ آدمیرام شیراز بازداشت و به سه ماه زندان محکوم شد. (که اکنون پس از طی دوره محکومیت خود آزاد شده است.)

در کارخانهٔ آدمیرام (سازندهٔ سیم و پلاک مخصوص برق از جمله کلید و پریز) صد و چهل کارگر مشغول کارند. این کارخانه سرانجام پس از انقلاب در اختیار بنیاد مستضعفین قرار گرفت. ولی متاسفانه مدیر عامل جدید که از طرف بنیاد منصوب شد، نه با برخوردی انقلابی، بلکه با شیوهٔ مدیران سابق بکار پرداخت و

ما خواستار تفاهم واتحاد عمل برای تقویت وطرد ضوابط طاغوتی گذشته وتقویت بنیه تولیدی جامعه هستیم

سخن کارداران ولایق و سابقه‌ای بجای او شد. کارگران دستگیری اعضای شورا و دوستان خود را محکوم کردند و خواستار بازگشت آنان بسر کار شدند.

با مدیر عامل آشنا شدیم. اکنون لازم است بدانید که از عوامل اصلی دستگیری و محکومیت رفیق ابراهیم میرهن، همین جناب مدیر عامل است. مدیر عاملی که کانون شوراهای اسلامی کارگران در شیراز نیز طی قطعنامه‌ای خواستار اخراج وی شده است!

بنابراین خبر نمونه‌وار، مدیر عاملی که برخلاف خواست انقلاب و ضرورت مبرم لحظه، دایر بر حفظ وحدت کلمه و وحدت عمل، در عمل کار را به اختلال در تولید و به ایجاد زمینه برای رویگردانی کارگران از رسالت بی‌خدشهٔ خود در امر تولید و سازندگی می‌کشاند، یک مبارز توده‌ای را بدلیل فروش روزنامه‌ای که دفاع از منافع کارگران را در چارچوب نظام جمهوری اسلامی ایران وجههٔ همت خود قرار داده است، سد راه خود تشخیص میدهد و وسایل دستگیری او را فراهم میکند، گناه از کیست؟ مگر توده‌ای‌ها در کارخانه‌ها چه میکنند؟ حتی یک ورق پاره را نمیتوان یافت که بمثابه سند (!) بتواند مبنای محکومیت (؟) ما قرار گیرد. متاسفانه این حقیقت مانع از آن نشده است که در موارد مکرر از فعالیت سازندهٔ رفقای ما، کفامن پیشبرد انقلاب و عقیم گذاشتن توطئه‌ها است، جلوگیری شود.

نمونهٔ دیگر این فشار تاروا و اقدام غیرقانونی در بازداشت و محاکمهٔ رفیق غلامرضا جوهری دیده میشود. رفیق جوهری عضو شورای کارگری کارخانهٔ پوشش (رشت) به اتهام واهی "اقدام علیه حکومت جمهوری اسلامی و اشاعه غرام حزب توده در کارخانه" اخراج و سپس به ٥ سال حبس و پنجاه ضربه شلاق محکوم شد.

خود اتهام، بطلان مطلق حکم صادره را آشکارا نشان میدهد. مگر میتوان مدافع و مبلغ مرام یک حزب مدافع جمهوری اسلامی ایران بود و در عین حال علیه همان حکومت "اقدام" کرد؟

این پرونده‌سازی، که متاسفانه به همین یک مورد منحصر و محدود نمیشود و دیگر رفقای ما را از حمله در اصفهان (کارخانهٔ کاشی اصفهان) شامل شده است، آشکارا با نیازها و ضرورت‌های انقلاب ما و بویژه با خود حقیقت سرسبز دارد و خبر از وجود زمینه ای نا سالم در عملکرد پاره‌ای نهادها میدهد، که در بهترین حالت از بی‌خبری افراد مسئول "خبر" میدهد. بی‌خبری از سیاست روشن یک حزب انقلابی در دفاع از یک جمهوری انقلابی و در مسیر یک مبارزهٔ انقلابی. آیا واقعا" آن‌ها که در جایگاه‌های گوناگون در مقام داوری و تصمیم‌گیری‌ها نشسته‌اند، بمثابه مجری عدالت، حق دارند از این واقعیت سترگ کنونی جامعهٔ ما بی‌خبر باشند؟

دریک چیز نمیتوان تردید کرد: کم‌ترین عوارض این بی‌خبری نارو و اشکال‌تراشی برای فعالیت مدافعین پرشور، مومن، آگاه و مبارز انقلاب، خدشه‌دار کردن اتحاد عمل نیروها در شرایط حساس کنونی است. کاری که بی‌تردید بسود انقلاب نیست و تصمیمی که بی‌شک شایستهٔ صدور از مجاری انقلابی نمیتواند باشد.

بحکم همین حساسیت لحظه و این حقانیت تاریخی است که ما بحق خواستار تعیین مسار انقلابی برای تمیز دوست از دشمن، خادم از خائن و برای جدا کردن صف انقلاب از ضد انقلاب هستیم.

باید تاکید کرد که در نهادهای تولیدی و کارگاه‌ها، ما خواستار:

ـ جلوگیری از کارشکنی و اخلال در کار تولید،

ـ متفرق کردن عناصر ضدانقلاب و چپ نما، که با طرح مسائل غیرعمده و بایکلی پرت و غیراصولی، در صدد ایجاد رویارویی کاذب هستند،

ـ همکاری نیروهای زحمتکش و فادار به آرمانهای انقلاب در جهت خنثی کردن عوارض سوء ناشی از کمبودها و رفع آن‌ها،

ـ و در نتیجه خواستار تفاهم و اتحاد عمل برای تقویت انقلاب و طرد ضوابط طاغوتی گذشته و تقویت بنیهٔ تولیدی جامعه هستیم.

ما جزاین نبوده و نیستیم و سرافراز و با غرور سیاست خود را اعلام کرده‌ایم و خواهیم کرد. گفته‌اند: خائن خائف است. و این درست است. خدمتگزاران به آرمان تاریخی زحمتکشان میهن ما به حقیقت متکی اند و از حقیقت دفاع میکنند و بیمی ندارند.

ما مطمئن هستیم که اعتراض بحای دوستداران انقلاب سبب به موارد تاسف‌بار اعمال فشار، که در پاره‌ای موارد برآن‌ها روا میرود، از تاب مطلوب خود را خواهد یافت. این امید، یک خوش‌بینی کاذب نیست، زیرا که مخاطب ما نیروهائی صادق‌اند. چنین برداشت درستی ما را بر آن میدارد که صمن دفاع مستمر از انقلاب و نظام جمهوری اسلامی ایران و در راستای این دفاع، از افشای کاستی‌ها و نادرستی‌ها لحظه‌ای فروگذار نکنیم.

ما در سنگر انقلاب بدفاع از کارگران ایستاده‌ایم

حاصل آن تشنج و درگیری در کارخانه و تشدید تنارضایتی و نومیدی کارگران بود.

مدیر عامل جدید هرکارگری را که بخواهد نظری جز نظر او عنوان کند، اخراج میکند! وی بخود حق میدهد که راسا" در مورد ادامهٔ اشتغال با انفصال کارگران تصمیم بگیرد و دریک مورد، بعد از اخراج دو تن از کارگران، موجبات دستگیری آنان را فراهم می‌آورد.

از جمله عملکردهای ناصواب مدیر عامل، اعمال روش‌های طاغوتی برای ایجاد جو تردید و سوءظن در میان کارگران و ارعاب آنان از طریق گماردن خبرچین در میان آنان است. در ارتباط با این مساله، یکی از کارگران بشعوری آگاهانه چنین نوشته است:

"... رئیس کارخانهٔ آدمیرام بازور و جبر از من تعهد گرفته است و حتی بمن توهین کرده است و مرا تهدید به اخراج و دادگاه و زاندارمری می‌کند. تا عملیه دوستان خود شهادت دروغ و گزارش کذب بدهم. لذا تصمیم گرفتم دست به خودسوزی بزنم تا مشغلی باشم برای روشن کردن مقامات مسئول..."

البته کارگران، باعکس‌العمل بموقع خود، مانع از بروز چنین فاجعه‌ای شدند و سرانجام در تاریخ ٣١ اردیبهشت گذشته طی نامه‌ای به استاندار و مقامات مسئول استان خواستار برکناری مدیر عامل و انتخاب

باکمبود وسایل اولیه: بیکاری، کارگران «کلاقه‌ای» اسکوی تبریز را تهدید میکند

کلاقه‌ای، پارچه پرنقش و نگاری است که در رنگهای مختلف از آن به عنوان روسری شال، روختی و غیره استفاده می‌کنند. اگر به میان شاهورها و سرکمتها رفته باشید، بر سر زنان و دختران شان حتما" این پارچه را خواهید دید.

در بخش اسکوی شبریز، هم اکنون بیش از ٢٠٠ نفر در کارگاه‌های کوچک و بزرگی، که هرکدام ٢ تا ٨ نفر با دار و دستگاه جای داده‌اند، به کار مشغولند. کاری طاقت‌فرسا، که به حوصله زیاد احتیاج دارد. آنها با عتبهای طولانی را صرف کار می‌کنند تا گلها یی رنگارنگ را بر پارچه‌های ابریشمی بنشانند. برای آشنایی با وضع این کارگران سری به چندکارگاه زدیم و پای صحبت کارگران نشستیم.

هرکارگاه محیط کوچکی است که چند میز در آن قرار دارد و پشت هر میز کارگری به کار مشغول است کنار هر کارگر ظرف محتوی رنگ بر روی یک چراغ پریموس می‌جوشد و در کنار ظرف رنگ، انواع نقشها، که بر صفحاتی فلزی، چون مهر حک شده است، قرار دارد. ابتدا از صاحب یکی از کارگاه‌ها خواستیم تا از کم و کیف این کار برایمان بگوید. او ضمن حرف‌هایش از جمله گفت:

"برای تهیه یک کلاقه‌ای، مشکلات زیادی را بایستی پشت سر بگذاریم. برای خریدنخ ابریشم به اداره بوغان رشت مراجعه می‌کنیم، قبلا" هر بار که می‌رفتیم تا ٥٠٠ کیلو نخ ابریشم به ما می‌دادند، ولی حالا بیش از ٥ کیلو در ما نمی‌دهند، در جواب اعتراضمان میگویند: کارگرانمان کار نمی‌کنند و در نتیجه تولیدمان زیاد نیست. گذشته از آن قبلا" کیلویی ٣٣٠ تومان از ما می‌گرفتند، ولی حالا این مبلغ به کیلویی ٥٥٠ تومان رسیده است، به همین جهت با عث رکود و پایین آمدن تولیدمان می‌شود. مواد بوگیر را هم از تربت حیدریه تهیه می‌کنیم. در ازای دوخت هر پارچه کلاقه‌ای ٢٥ تومان هم بابت مزد به بافنده می‌دهیم و آن وقت به وسیله رنگهای مختلف روی آن کار می‌شود. ولی آنچه در این کار بیشتر ما را درعذاب نگه داشته، گرانی سرسام آور است. مثلا" رنگ را، که از خارج می‌آید، قبلا" کیلویی ٣٥ تومان می‌خریدیم، ولی حالا با بت همان رنگ کیلویی ١٣٠ تومان می‌پردازیم. سندلوس ٤ تومانی به ٨ تومان رسیده، سودا، که برای تثبیت رنگها به کار برده می‌شود، اصلا" گیر نمی‌آید".

از مقدار تولید روزانه پرسیدیم، گفت:

"مقدار تولیدمان بسته به تعداد کارگران و تامین وسایل و مواد اولیه است مثلا" در این کارگاه، که ٤ کارگر کار می‌کنند، ما هانه تقریبا" حدود ٥٠٠ کلاقه ای تولید می‌کنیم، که هرکدام به مبلغ ١٣٧ تومان برایمان تمام می‌شود. اگر دولت وسایل اولیه را برایمان تهیه کند، به احتمال قوی بیش از چندماه نمی‌توانیم دوام بیاوریم".

عسگرشیدا یی یکی از کارگران میگوید:

"هر روز صبح از خانه یک راست به این جا می‌آیم و غروب هم خسته و کوفته دوباره راهی خانه می‌شوم. از هیچ جا هم خبر ندارم، یعنی وقتش را ندارم، مثال است که به این کار مشغولم. روزی ٥٠ تومان حقوق می‌گیرم، که با عمر با شله و این همه گرانی، با فقر و قناعت روزگار می‌گذرانیم. البته به این هم توجه داشته باشید که اگر وسایل اولیه به دستمان نرسد، باید بدون حقوق و درآمدی منتظر بنشینیم".

از وضع بیمه و بهداشت پرسیدیم، گفت:

"چندبار از طرف بیمه به اینجا آمدند ولی گفتند چون رسمی نیستید، بیمه به شما تعلق نمی‌گیرد و در نتیجه پول دوا و دکتر را هم از همین ٥٠ تومان تا بدید بدهیم". و در پاسخ اینکه از دولت چه انتظاراتی دارید، گفت:

"ما فقط کار می‌خواهیم، تا بتوانیم خرج خانواده را دربیاوریم. از دولت می‌خواهیم که با فراهم آوردن امکانات و تامین وسایل اولیه کاری کنندکه بیکار نشویم و حداقل داشمی بشویم و به هر بهانه ارباب احراج نشویم. مثلا" خودم قبلا" در کارگاهی کار می‌کردم که به ما حبس گفتم: حقوقم کم است کفاف زندگیم را نمی‌کند. بهانه آورد که تو به من مقروضی و من نمی‌توانم حقوقت را زیاد کنم، و سرانجام در جواب این رفم که: با این حقوق نمی‌توانم اینجا کار کنم، گفت: خوش آمدی، برو"

محمد نوبرزاده در ادامهٔ حرف‌های دوستش می‌گوید:

"این تنها مشکل ما نیست. کارگران کلاقه‌ای در کنبد و اردبیل و شیراز نیز وضع ما را دارند. همه ما با خطر بیکاری روبرو هستیم، بخصوص حالا که پارچه‌هایی نظیر کلاقه‌ای از خارج وارد می‌شود. هم اکنون هر چندیکبار، به این علت که وسایل اولیه نیست، کار را مدتی تعطیل می‌کنیم. آنوقت از کجا خواهیم خورد، معلوم نیست. من خودم درس را، به این علت که خرج خانواده را تامین کنم، ول کردم و حالا ٦ سال است که به این کار مشغولم. روزی ٥٠ تومان حقوق می‌گیرم، که به هیچ جای زندگی نمی‌رسد".

آقای رضا زاده، با ١٥ سال سابقهٔ کار، و علی یکی دیگر از کارگران نیز مشکلات مشابه‌ای را مطرح می‌کنند. آنها همه از این می‌ترسند که مبادا با نرسیدن مواد اولیه به دستشان، کارشان تعطیل شود و بر سرشان آن آید که بر سر شرکت تعاونی کلاقه ایجا فان اسکو آمده است.

خسروعلی اکبرزاده، یکی از صاحبان این کارگاه‌ها، که خود نیز با کارگران کار می‌کند، در این زمینه می‌گوید:

"مثلا" شرکت تعاونی کلاقه‌ای بافان اسکو، که ٨٠ کارگر در آن به تولید روسری و شال گردن مشغول بودند، به همین علت‌ها بسته شد. پارچه‌های خارجی نیز یکی از علت‌هایی است که جلوی بازار ما را می‌گیرد".

نامه مردم ـ این کارگران از دولت تقاضای کمک مالی و غیره ندارند. آنها خواستهای برحق، چون بیمه را هم مطرح می‌کنند. آنها فقط از دولت این انتظار را دارند که حداقل جلوی کمبود وسایل اولیه گرفته شود، ترس از بیکاری و بستن به خیل عظیم بیکاران، تا عمق وجودشان ریشه دوانده است. تامین وسایل اولیه خواست بی‌جایی نیست. این وظیفه فوری دولت است، که هرچه زودتر جلوی رکود تولید و دخالت گرفته شود و به وضع نابسامان مواد اولیه، که قبلا" از خارج وارد می‌شد و هم اکنون هر چندیکبار، به این علت که وسایل اولیه نیست، کار را مدتی تعطیل می‌کنیم، آنوقت از کجا خواهیم خورد، معلوم نیست. من خودم درس را، به این علت که خرج خانواده را تامین کنم، ول کردم و حالا ٦

تامین کار برای کارگران بیکار یکی از نخستین وظایف دولت انقلاب است

مندوان ـ روستائی در قلب میدان جنگ

روستای "مندوان" در ۶ کیلومتری خرمشهر واقع شده، یعنی در منطقه‌ای قرار دارد که بر اثر تجاوز رژیم صدام حسین به محنه خونین جنگ و ویرانی بدل شده است. از ۵۰ خانوار ساکن روستا، پیش از تجاوز اخیر ۴۰ خانوار در شهر کار می‌کردند. "مندوان" روستائی است که با یک جاده شنی به طول ۶ کیلومتر، به جادهٔ "شلمچه"، نزدیک به نوار مرزی خرمشهر وصل می‌شود. در سراسر این ناحیه اینک اهالی، اعم از روستائی و شهری، دهقان و کارگر، خوش‌نشین و پیشه‌ور، زن و مرد، عرب و فارس، پیرو جوان در نبرد عادلانه میهنی، حماسه‌ها می‌آفرینند و همه دوش به دوش هم از انقلاب مدافعه می‌کنند.

از کنار "مندوان" نهر بزرگ وبرآبی می‌گذرد، که از شط بزرگ خرمشهر مشروب می‌شود. در اطراف این روستا نخلستان‌های بزرگی واقع شده است. در این روستا مانند سایر روستاهای نزدیک بشهر خرمشهر، کشاورزی از مشاغل درجه دوم است و اغلب روستانشینان از طریق کار در شرکت‌های کشتیرانی و ادارات بندر و گمرک امرار معاش می‌کردند. تنها ۱۰ خانوار در زمین‌های ۵ تا ۱۰ هکتاری به کشت و زرع مشغول بودند. اینان، دهقانان خرده‌پائی هستند که قسمت اعظم زمینها یشان زنخل است و در "کرت‌های" بین نخلها میفی‌کاری می‌کنند.

آنها اکنون از سرزمین خود، از انقلاب بزرگی که به آنها سربلندی انسان بودن و انقلابی بودن را بازداده است و می‌رود تا موفقیت‌های تازه‌ای کسب کند، دفاع می‌کنند.

در مدسالانه خرمای دهقانان بسیار ناچیز است. درخت‌های خرما بسبب عدم سمپاشی مرتب، محصول ناچیزی دارند. به علاوه تاکنون وجود واسطه‌ها و تجار خرما، سبب کاسته شدن بیشتر در آمد ناچیز آنان شده است.

زالوهائی که مستکبرانه نتیجه زحمت دهقانان را می‌دزدیدند، اکنون در شرایط دشوار جنگی مانند موش فرار کرده‌اند، ولی زحمتکشان دهات اطراف خرمشهر، همانند اهالی شهر، قهرمانانه و با ساده‌ترین سلاحها مردانه ایستادند و مقاومت کرده و می‌کنند.

در آمد خرما برای هریک از دهقانان به زحمت ۱۰ هزار تومان در سال می‌شود. منازل هریک از این روستائیان در میان نخلستان خودشان واقع شده، که اینک زیر آتشهای داروسته مهاجم صدام حسین به ویرانه تبدیل می‌شود.

۴۰ خانوار این روستا با صاحب قطعه کوچکی زمین هستند، با اسلازمین ندارند و یا بیکارند، ولی همه اینها اکنون یک هدف را تعقیب می‌کنند و آن دفاع از انقلاب و زندگی سربلند در کشوری مستقل و آزاد و متحد است.

عده‌ای از اهالی درگذشته ساکن حاشیه کارون بودند، که چندین سال پیش تمام دام و زمین خود را فروختند و بامید زندگی بهتر به این روستا وارد شدند. آنها اکنون نیز مصمم هستند که، پس از بیرون راندن اشغالگران صدامی و خرد کردن توطئه آمریکا، باز به میدان تولید بیایند و با برخورداری از کمک هائی که حتما دولت انقلاب خواهد کرد، زندگی جدیدی را پایه‌ریزی کنند.

در "مندوان" زمینهای زراعی بسیاری به صورت بایر وجود دارد، که اغلب زیر کشت نرفته‌اند. این زمینها متعلق به ۳ مالک بزرگ است، که هرکدام تقریبا ۱۰۰ هکتار زمین در اختیار خود دارند. جنگ بسیاری حقایق را نشان داده است، از جمله حق مسلم دهقانان زحمتکش بر زمین‌های مزروعی و ضرورت تکیه بر این توده‌های میلیونی هموطنان ما.

جنگ مسلما با پیروزی انقلاب ایران بر توطئه آمریکا پایان خواهد پذیرفت، و آنوقت، دولت انقلاب، با توجه به حل مسئله زمین و ضرورت تامین خواست‌های اولیه زندگی، شرایط تازه‌ای را، که شایسته انقلاب باشد، برای دهقانان مناطق جنگ زده، منجمله روستای مندوان فراهم خواهد آورد.

دهقانان مینویسند:

دست پلید فئودالها از جان دهقانان کوتاه!

اهالی کوزران و حومه (استان کرمانشاه) مدت‌ها است که زیر فشار سارقین قرار دارند. هر شب سارقین و دزدان با سلاح‌های سنگین و سبک باین دهات حمله می‌کنند. بدین جهت اهالی دهات کوزران طی یک نامه سرگشاده به ریاست جمهوری و سپاسداران کرمانشاه و استانداری، خواستار رسیدگی فوری به مشکلات این منطقه شدند. متن نامه به شرح زیر است:

"محترما" به عرض می‌رسانند، ما اهالی دهات و روستاهای "کوزران" و حومه آن در بخش سنجابی، از دست اشرار مسلح قلخانی و گوران شدیدا" به ستوه آمده‌ایم. هر شب شاهد تاراج و غارت اموال منقول و دامها و ماشین‌آلات خود هستیم. شبی نیست که این اشرار بی‌رحم و درنده‌مفت روستاها را غارت و تاراج نکنند و کودکان و زنان را در زیر رگبار گلوله‌های خمپاره‌انداز و "آر.پی.جی ۷" نلرزانند. هزار گلو داد و فریاد می‌کنند که‌ای سپاهیان عزیز پاسدار، اگر زودتر به فریاد نرسید و به غارت و چپاول خانمان برانداز این اشرار پایان ندهید و این مظلومین را از چنگال این درنده‌های انسان نما نجات ندهید، کلیه دهات حومهٔ کوزران در بخش سنجابی از سکنه خالی و به کرمانشاه هجرت خواهند کرد و کشاورزی و دامداری نابود خواهد شد. غارت بی‌رحمانه دهات روستاهای اطراف کوزران در بخش سنجابی آنهم در دولت جمهوری اسلامی، شرم‌آورترین و بی‌مفت‌انه‌ترین اعمالیست که اشرار مسلح قلخانی و گوران به مردم زحمتکش و مظلوم این بخش وارد می‌کنند. مردم حومهٔ کوزران ناامید و دلسرد در غم فرو رفته‌اند. اضطراب و وحشت در سرتاسر دهات حومه کوزران در بخش سنجابی و اطراف حکمفرماست. اشرار مسلح قلخانی همچنان در غارت روستاها پیش می‌روند. روستاهای غارت‌شده عبارتند از:

خوزه زردی، روتوند، داخور، مریوانه درویش‌نگه، لوها نیلوره، رشید علی، نوروزآباد، امیرآباد، سبزه‌لاق، پیلحواص، جان جان، چشمه‌سفید، حواسبند، دارگل، سیدعباس، اسلام‌آباد، قلعه‌لان و روستاهای دیگر.

ما مردم این دیار خواهان قطع ریشه اصلی این فسادهستیم و آن دستور فوری و قاطع پاکسازی قلخانی و گوران از سارقین و مالکین و اشرار می‌باشد. ما خواهان شناسایی سران اشرار و سارقین و شدت عمل قاطعانه و قانونی هستیم. ما خواهان پس‌گرفتن فوری اموال غارت شده روستائیان از اشرار قلخانی و گوران هستیم. غیر از این هیچ اقدام دیگری چندان مفید و اساسی نیست.

اهالی کوزران و حومه"

نامه مردم ـ فئودالهای این منطقه که می‌دانند به زودی با اجرای قانون واگذاری زمین به دهقانان تهی دست، قدرت شیطانی خود را در روستاها از دست می‌دهند، برای جلوگیری از اجرای قانون و برای به هم زدن امنیت، با اعمال ننگین خود، به تشنج و آشوب منطقه کمک می‌کنند. این منطقه بسیار حساس است و ضد انقلاب تنها بیت استفاده را از این وضع می‌کند. در شرایط کنونی حمله دار و دسته صدام حسین به ایران، این اشرار پشت جبهه ما را تضعیف می‌کنند و مستقیما" به تجاوزگر کمک می‌رسانند. باید دست آنها را هرچه زودتر کوتاه کرد.

اخبار دهقانی

روستائیان سرطاووس مشهد در انتظار هیئت ۷ نفری هستند

در کیلومتر ۱۲ جاده سیمان مشهد، روستائی کوچک با جمعیت فقط ۸ خانوار به نام سرطاووس، دچار بی‌آبی است، بطوری که روستائیان آب آشامیدنی خود را از نقطه‌ای دور توسط الاغ و دیگرچهایی پایان و با مشک، با زحمت فراوان، فراهم می‌کنند.

روستائیان سرطاووس می‌گویند:

"بیشتر زمین‌های این روستا به تصرف قلدران و زورگویان درآمده است، منتظریم که هیئت ۷ نفری تقسیم زمین، دست این قلدران را، که از خانواده‌های طاغوتی مشهور هستند، از زمین کوتاه کنند".

امرار معاش کشاورزان معمولا از طریق چند "جوبه" انگوری که کاشته‌اند، صورت می‌گیرد. روستائیان با سودجوئی بیکران یک سرما به دار روز میندار، مشهدی نیز دست به گریبان هستند، که برای استفاده از شن‌های رودخانه، زمینها را با بولدوزر از بین می‌برد و اشتهای اهالی ایجاد دردسر می‌کند.

خاک، یک منبع طبیعی متعلق به تمام مردم است و هیچ کس حق بهره کشی خصوصی از آنرا ندارد. با وجود نزدیکی این ده به مشهد و به خصوص به روستاهای بزرگ واقع در جادهٔ سیمان، روستائیان اینجا هنوز از نعمت برق بی بهره‌اند و تلاشهای فراوان آنها تاکنون به جائی نرسیده است.

جای آن دارد که مسئولان امر در مورد واگذاری زمینهای ده به این کوچ‌نشینان اقدام عاجل به عمل آورند. زمان مالکان و سرمایه‌داران بزرگ به سر رسیده، هم اکنون بنا به ضرورت انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی ایران و بنا به ضرورت مقابله با تجاوز و نقشه‌های امپریالیسم آمریکا و رژیم بعثی صدام حسین، باید این مستضعفین به حقوق خود برسند.

خواست‌های برحق روستائیان، باید بنا به رهنمودهای مکرر و مؤکد امام ـ خمینی، رهبر انقلاب، در مورد مستضعفین برآورده گردد.

با شکایت بزرگ مالک دو دهقان مبارز زندانی شده‌اند

یکی از بزرگ مالکان روستای مقصودآباد (مرودشت فارس)، در رمان ثلاثه ـ مسهای خرده مالکان روستا را (که منطقی با وقاف بود) سرور صاحب میکند. پس از پیروزی انقلاب، همان منظور بار پس گرفتن اراضی خود دیگران به مراجع قانونی شکایت میکند، لکن نتیجه‌ای از این کار نمی‌گیرند. اخیرا پس از تشکیل هیئت هفت نفری، دهقانان با دریافت حکمی از این هیئت، اراضی را بین خود تقسیم میکنند. مالک بزرگ سریعا دادگاه مرودشت شکایت میکند و دو نفر از روستائیان زحمتکش و فعال زندانی میگردند. هم اکنون دهقانان روستای مقصودآباد، ضمن اعتراض به این عمل، خواهان رسیدگی به درخواستهایشان در زمینهٔ واگذاری زمین و سر آزادی دو دهقان مبارز هستند.

زمین مال دهقان زحمتکش است. این اصل در روح انقلاب و در قانون اصلاحات ارضی تائید گردیده است. زندانی شدن دهقانان نتیجهٔ عدم پیگیری مسئولین در برآوردن حقوق دهقانان زحمتکش است که مغایرت با خواست‌های انقلاب و نیاز زمان دارد.

دهقانان زحمتکش مشرعطم زحمتکشان را تشکیل می‌دهند که از جان و دل برای انقلاب و پیروزی آن مایه گذاشتند و نیز در جنگ تحمیلی رژیم صدام حسین، با تمام قوا در سنگر خود و دستاوردهای انقلاب دفاع میکنند. دادگاههای انقلاب باید مطبق با نیازهای انقلاب عمل کنند. در شرایط کنونی که تمام زحمتکشان و امنحدا در برابر تجاوز آن رژیم بعثی عراق و امپریالیسم آمریکا ایستادگی میکنند، تضعیف جبههٔ انقلاب و حمایت از بزرگ مالکان سود انقلاب و حفاظت از مسبب عزیزان نیست. حق را به حق‌دار بدهید.

دهقانان! بیل شما سرنیزه‌ای و بذر شما گلوله‌ایست به قلب دشمن. شخم بزنید، بکارید، تولید کنید، تا امریکای جنایتکار را درهم شکنید!

روستائیان دوراه نیز از انقلابشان زمین و سرکوب لانه ضدانقلابی بزرگ مالکی را خواستارند

از این زمینهای وسیع با تولید تعاونی و با استفاده از تراکتور و کمباین بهترین بهره را می‌توان برد.
(روستای دوراه ـ مرودشت)

روستای دوراه در ۶ کیلومتری مرودشت قرار دارد. در این ده ۱۶ خانوار زندگی میکنند که هیچیک از خود زمینی ندارند. زمینهای این روستا در حال حاضر ۱۲۵ هکتار است، که به مالک تعلق دارد.

از هر خانواده روستای دوراه، یک پادوبفر بر روی اراضی مالک کار میکنند و از محصول ۳۰ درصد بدانها میرسد، که امسال بعلت آفت سهم دهقانان کمتر شده است.

این ۱۶ خانوار حدود ۷ سال است که برای مالک در این محل کار میکنند. در مورد واگذاری زمین، خوش‌نشینان تاکنون چندین بار به دادگاه انقلاب مرکز شیراز شکایت کرده‌اند. دادگاه انقلاب نامه‌ای به پاسگاه ژاندارمری بیدگل نوشته و خواستار پیگیری شده است، ولی این پاسگاه به بهانه‌های مختلف از این کار سرباز زده است.

در این روستا از برق و آب و مدرسه و حمام و بهداشت خبری نیست. بیمار باید به شهر برود و محصل به روستاهای اطراف. حتی برای آب آشامیدنی، اهالی باید حدود یک کیلومتر را طی کنند. معمولا آب آشامیدنی از چشمه‌ای تامین میشود که در آن لباس هم می‌شویند و حیوانات نیز از آن آب می‌خورند.

منطقهٔ فارس اکنون از مناطق بسیار حساس برای انقلاب ماست. امپریالیسم آمریکا سعی براه انداختن جنگ تجاوزکارانهٔ داروسته صدام حسین علیه ایران، در این منطقه نیز خواهان و ضد انقلابی‌ها را به فعالیت شومی واداشته، در صدد ایجاد کانونهای خطرناک ضد انقلابی است. بزرگ مالکان پایگاه آن در منطقه هستند.

باید در ده دوراه نیز مانند تمامی استان، هیئت ۷ نفری ریشهٔ زمینداری بزرگ را قطع کند و کلیه زمینها را در اختیار ۱۶ خانوار بی‌زمین بگذارد، تا آنها محصول مورد نیاز کشور را با استفاده از تراکتور و دل علیه امپریالیسم و تجاوزگران صدام و توطئه‌گران ضدانقلابی در فارس سازنده کنند.

پاسخ مسئولان به خواست‌های دهقانان

فرمانداری شهرستان سپیدان (استان فارس) در پاسخ به مطالب شماره ۲۹۲ ـ نامه "مردم"، مورخ ۱۳۵۹/۵/۴، طی نامه شماره ۵۹/۶/۲۵/۱۷۴۵ چنین نوشته است:

"پروژه آبرسانی روستای منصوری کاکان در سال ۱۳۵۲ توسط بهداشت محیط استان فارس احداث گردیده و مدرسه آن روستا وسیله آموزش عشایری به پیمانکار داده شده و راه روستائی در سال جاری نقشه‌برداری شده، که هنوز عملیات اجرائی آن توسط اداره راه و ترابری استان شروع نگردیده و هیچکدام از موارد فوق وجهی به کدخدای ده داده نشده.

فرمانداری شهرستان سپیدان ـ اردلان"

نامه مردم ـ با تشکر از فرمانداری شهرستان سپیدان، پاسخ مربوط به آبرسانی، مدرسه و جاده سازی را بدینوسیله به اطلاع دهقانان عزیز می‌رسانیم، با این امید که این مسائل در جهت رضایت خاطر دهقانان و تقویت بنیه اقتصادی روستا حل شود، زیرا کشور ما در حال حاضر نیاز فراوان به استحکام اقتصاد کشاورزی خود و تامین محصولات کافی زراعی و دامی دارد و برای مقابله با توطئه آمریکا و تجاوز نظامی و اقتصادی آن، لازمست به توده دهقانان و اقتصاد سالم و شکوفای آنان تکیه شود.

www.iran-archive.com

دوستان ایران، آماده همکاری اند

برگزاری هفتمین نمایشگاه بین‌المللی بازرگانی درتهران (۲۹ شهریور– ۹مهر۵۹) در حساس ترین شرایطی که انقلاب ایران ازمیان همهٔ دسیسه های امپریالیسم آمریکا وایادی داخلی اش میگذرد و در میان انبوهی ازمشکلات میکوشد تاراه رشدخویش رابیابد ، این فرصت رابدست دادتا : "به این نکتهٔ مهم پی ببریم که ، چه‌کشورهائی به حفظ مناسبات تجاری و اقتصادی خودباایران ، علیرغم فشارهای بین‌المللی همچنان ادامه‌میدهند . " (ازسخنان مدیرکل نمایشگاه‌های بین‌المللی درمراسم افتتاح)

این کشورها ، که متاسفانه همهٔ وسایل ارتباط جمعی ایران ، بجیاز روزنامهٔ صبح آزادگان ، در باره حضورآنهاسکوت کردند ، چه کشورهائی بودند ؟ روزنامهٔ صبح آزادگان درپاسخ این سئوال مینویسد :

"کشورهائی که‌خوب ازنمایشگاه استقبال‌نموده و باامکانات نسبتاً بهتری دراین نمایشگاه شرکت کرده بودند ، کشورهای بلوک شرق ، بااعضای پیمان اقتصادی کومکن بودند . " (آزادگان– ۹مهر۵۹)

صبح آزادگان می‌افزاید : "این کشورهاایران را تحریم اقتصادی نکرده‌اند . " (همانجا)

از۱۵ کشور شرکت کننده درنمایشگاه ، ۹ کشور راکشورهای سوسیالیستی تشکیل میدادند : اتحاد شوروی ، بلغارستان ، لهستان ، یوگسلاوی ، کوبا ، چکسلواکی ، جمهوری دمکراتیک آلمان ، رومانی و مجارستان .

ازکشورهای سرمایه‌داری تنها اطریش وسوئد در نمایشگاه شرکت داشتند . غرفهٔ سوئد تنها شامل مقداری عکس بود واطریشی‌ها برای‌کمک‌به رشدصنایع ایران ، مقدار زیادی چوب اسکی ،یوتین اسکی ،انواع چکمه اسکی وهمچنین مقدار زیادی لوازم آرایش را به نمایش گذاشته بودند !

صنایع مورد نیاز ایران

درواقع دراین نمایشگاه ، کشورهائی که نشان میدادند که "به‌حفظ مناسبات بازرگانی وصنعتی با ایران علاقه دارند" (ازپیام رئیس جمهوربمناسبت افتتاح نمایشگاه) کشورهای سوسیالیستی وکشورهای جبههٔ پایداری عرب ازجمله لیبی بودند .

کشورهای سوسیالیستی ، در غرفه‌های خود ، انواع ماشین‌های صنعتی‌وکشاورزی‌مورد نیاز ، پیشرفته‌ترین لوازم تکنیک درهمه‌رشته‌ها ، ازپزشکی گرفته تا حمل ونقل ، ماکت انواع کارخانه‌ها ومزارع را برای اینکه مقامات ایرانی بتوانندبهترین‌نوع آن‌راانتخاب کنند ، به‌معرض نمایش گذاشته‌بودند . اتحاد شوروی "۴ هزار شیئی نمایشی ، ازمدرن‌ترین دستگاه‌های فنی گرفته تاسباب‌بازی را ، که‌تقریباً "نود در صد آنها برای نخستین باربه نمایش گذاشته‌شده‌بودند " (صبح آزادگان– ۱۰مهر۵۹) رادرمزرگترین غرفهٔ نمایشگاه عرضه کرده بود .

درغرفهٔ اتحادشوروی صنایع موردنیاز ایران‌از حمله "ماکتهای کارگاه کوره‌بلند ، ماشین‌سازی ، کشتی سازی ، صنایع الکترونیکی ، ساختمان مجتمع های صنعتی وذوب آهن ، شمای الکترونیکی تهیهٔ اسید های مصنوعی ، ماشین های فلزتراشی ، ماشین های الکترونیکی حساب وماکت کامپیوتر ، اتومبیل های سواری و کامیون‌های باری . . . " (صبح آزادگان– ۱۰ مهر ۵۹) به‌معرض تماشا گذاشته شده‌بود .

مسئول عرفهٔ اتحادشوروی درروزگشایش عرفه‌به خبرنگاران گفت :

"نمونه‌های بیش از۴۰۰۰ نوع ماشین و دستگاه صنعتی به‌معرض نمایش گذارده شده ،که‌ازآنجمله اند ، ماشین‌های سواری ، تراکتور وکمباین‌های پنبه‌مجمع‌کنی ، ماشین‌های کشاورزی ، تجهیزات رادیوئی آخرین مدل ، دستگاه‌های نساجی ، ماشین‌های‌حساب‌الکترونیکی و . . . " (صبح آزادگان – ۱۰مهر۵۹)

غرفهٔ چکسلواکی هم درنمایشگاه تهران‌شامل : "تکنیک‌های نوین کشاورزی ، آبیاری‌وبدسازی ،لوازم پزشکی وجراحی ، محصولات‌غذائی ،الیاف‌مصنوعی ، پمپ‌های آبیاری وفیلتر هوا ، الکتروموتور ، ژنراتور و . . . " (صبح آزادگان – ۹ مهر۵۹) بود .

نمایندهٔ دائره‌بازرگانی‌خارجی‌دولت‌چکسلواکی درمراسم افتتاح غرفه به‌خبرنگاران گفت :

"بیشتر مبادلات درزمینهٔ ماشین‌آلات‌سازنده ، مانندکارخانجات فلز، دیزل ، سیمان ، نساجی‌تراش وغیره می‌باشد . " (همانجا)

درعرفهٔ مجارستان نیز : " انواع سیستم های ارتباطی ، مواد وکودهای شیمیائی ، وسایل فنی مخابراتی ، لکوموتیو و واگن ، جرثقیل ، ابزارفولادی‌و فلزی ، تجهیزات پزشکی و . . . " (صبح آزادگان–۱۲ مهر۵۹) عرضه شده بود .

آلمان دمکراتیک سردرعرفهٔ خوداانواع‌کالاهای صنعتی و کشاورزی ، ازجمله : "دستگاه‌های صیقل ، اره‌های گرد وابزار مختلف ، ماشین‌پروفیل ،دستگاه های شیردوشی و ماکت مزارع دامپروری ، لوازم مخابراتی ، ماشین‌های بافندگی ودوزندگی ، ماکت کارخانه‌های نساجی ، یخ‌سازی ، سیمان‌سازی ، تولید برق ، انواع تراکتور و وسایل کشاورزی" (نامهٔ مردم – ۱۳مهر ۵۹) راعرضه کرده بود .

باین ترتیب ، بالیست مختصری ازهزاران نوع کالاهای اساسی موردنیازایران ، که‌تنهاازغرفهٔ ۴کشور سوسیالیستی دربالا آوردیم ، بروشنی تمام دیده‌می‌شودکه ، این کشورها ، باوجودضیق وقت و مشکلات دیگر ، انواع وسایل صنعتی وکشاورزی ساخت‌خودرا عرضه کرده‌اند .

آمادگی کامل برای همکاری ،بدون شرط سیاسی

نمایندگان کشورهای سوسیالیستی نیزدر تمام مصاحبه‌های مطبوعاتی با خبرنگاران داخلی ، که متاسفانه تنهاچندخط‌بی‌اهمیت آزآن درجایدایران بچاپ رسید ، رسما " وباصراحت تمام‌اعلام‌کردندکه ، آماده‌اند ، بدون هیچ‌شرط‌سیاسی ، انواع تولیدات صنعتی وکشاورزی خودرا باایران مبادله کنند و همه تولیدات ایران رابخرند .

دکترهورست رشهاک ،مسئول غرفهٔ جمهوری دمکراتیک آلمان ، اعلام داشت :

"کشورما آماده است مواد و وسایل مختلفی را ازقبیل صنایع سنگین وسبک ، صنایع مواد کشاورزی ، مواد غذائی وداروئی رابه‌کشورشما واردکند . کشور ما برای برقراری مناسبات اقتصادی باایران ، هیچگونه شرط سیاسی قائل نیست . " (نامهٔ مردم–۱۳مهر۵۹)

رئیس اتاق بازرگانی کوبا گفت :

" ماحاضریم بدون قائل شدن شرط سیاسی ، مناسبات اقتصادی متقابلی باایران داشته باشیم . " (همانجا)

مسئول غرفهٔ اتحاد شوروی ،ضمن‌تاکیدبراینکه ، شوروی درمناسبات اقتصادی خودباایران‌شرط سیاسی قائل نمیشود ، گفت :

"مذاکراتی درحال انجام است ،که‌امیدواریم بتوانیم قراردادهای دوجانبه‌ای با ایران داشته باشیم . " (نامهٔ مردم– ۸ مهر۵۹)

رئیس غرفهٔ بلغارستان گفت :

"بلغارستان حاضراست بدون هیچ شرط سیاسی صنایع ولوازم مورد نیازایران راتامین‌کند . " (نامهٔ مردم–۳ مهر۵۹)

مسئول غرفهٔ مجارستان اعلام کرد :

"مجارستان آماده‌است بدون هیچ شرط سیاسی باایران همکاری اقتصادی و بازرگانی داشته‌باشد . مجارستان آماده‌است همهٔ صنایع‌سنگین و سبک رادر اختیار ایران بگذارد . " (نامهٔ مردم– ۱ مهر۵۹)

باین‌ترتیب ، کشورهای سوسیالیستی ، بااعلام صریح مواضع خود ، فرصت مناسبی پدیدآوردند که "وزارت بازرگانی دریابد کهچه‌کشورهائی به حفظ مناسبات تجاری واقتصادی باایران ، علیرغم‌فشار– های بین‌المللی ، همچنان ادامه میدهند . " (ازپیام وزیر بازرگانی)

کشورهای سوسیالیستی ،باحضور وسیع خود ، نه‌تنهامحاصرهٔ اقتصادی‌امپریالیسم جهانی ، بسرکردگی امپریالیسم آمریکا ، راریشخند کردند ،بلکه : "کشورهای شرکت‌کننده دراین نمایشگاه باهمکاری‌خودنشان دادند که‌حاضرند مناسبات بازرگانی و اقتصادی خود را باایران بیش ازپیش محکم سازند . " (از سخنان مدیرکل نمایشگاهها درمراسم اختتام نمایشگاه– صبح آزادگان – ۱۰ مهر۵۹)

و ازآنجا که‌ایران نیازی‌به‌چوب‌اسکی (!)اطریش و عکس‌های (!) سوئد ندارد ،ننهاونسهااین‌کشورهای سوسیالیستی هستندکه در حساس‌ترین شرایط تاریخ ایران ،باهمهٔ امکانات به‌مدیدن آمده‌اند ، و بدون هیچ شرط‌سیاسی ، دست دوستی بطرف ایران دراز کرده‌اند .

آری ، دوستان انقلاب ایران آمادگی‌کامل خود رابرای خروج ایران از زیرسلطهٔ شوم اقتصادی‌امپر– یالیسم رانشان‌داده واعلام کرده‌اند . اکنون‌مقامات مسئول ایرانی ، که‌ازنزدیک‌باامکانات‌کشورهای دوست ایران آشناشده‌اند واعلام‌آمادگی آنها را بطور رسمی دریافت کرده‌اند ، باید به دور از پیشداوریهاو پس دست دوستی رابفشارند . مقامات مسئول ایرانی باید بادرک شرایط‌حساس انقلاب وتوجه کامل به وظیفهٔ تاریخی خود ، ازامکانات وسیع کشورهای‌دوست‌ایران استفاده‌کنند وباپاسخ قراردادهای برابرحقوق‌وباسود متقابل ، که‌درآنها استقلال ایران‌ومانع وطن‌انقلابی ما ، کاملاً حفظ‌شده‌باشد ، چرخهای صنایع کشوررا بکار بیاندازند و زمینه‌رابرای استقلال کامل‌اقتصادی ایران آماده سازند .

*** کشورهای سوسیالیستی در هفتمین نمایشگاه بین‌المللی بازرگانی تهران انواع لوازم و صنایع مورد نیاز ایران را عرضه داشتند و اعلام کردند که آماده‌اند، بدون هیچ شرط سیاسی، همه صنایع سبک و سنگین را در اختیار ایران بگذارند.**

*** اکنون وقت آنست که با بستن قراردادهای برابر حقوق و باسود متقابل با کشورهای دوست، زمینه برای استقلال کامل اقتصادی ایران فراهم شود.**

گرانی روزافزون هزینه زندگی بر دوش زحمتکشان سنگینی می کند. زحمتکشان رابایدباتصمیمات فوری وقاطع انقلابی اززیراین بارنجات داد

حملهٔ صدام از دیدگاه «خط گام به گام»

مقالاتی که‌آقای دکتر ابراهیم یزدی زیرعنوان "حملهٔ نظامی صدام‌حسین" ، ظاهرا برای تحلیل علل این‌حمله ، برشتهٔ‌تحریر درآورده وزینت‌بخش روزنامهٔ "کیهان" گردیده‌اند ،سرانجام درچهارمین‌مقاله باین نتیجه رسید که : سقوط "دولت موقت" بر اثر "توطئه‌ها" بوده است ! می‌نویسد :

"توطئه‌ها علیه دولت‌موقت متاسفانه‌بجائی‌رسید که ادامهٔ کار راغیرممکن ساخت ودولت بالاجبار کنار رفت وآن برنامه‌ها ادامه نیافتند . "

وزیر امورخارجهٔ دولت موقت بشرح "توطئه‌هائی" که باعث سقوط دولت موقت گردید ، نیرداخته‌ونامی‌هم از "توطئه‌گر" ها نبرده است ، ولی درعوض شرح مبسوطی از "آن برنامه‌هائی" کهوزارت خارجه دولت موقت درموردعراق داشته ، داده‌است .

این برنامه‌ها گویاپنج "محور" داشته‌اند :

"محور اول "اعزام یک سفیر واردبه اوضاع عراق وقادربه ارتباطات لازم‌ومنطقی وسری‌باگروه– های مسلمان مخالف رژیم صدام دردا‌خل عراق " .

محور دوم "منزوی کردن وتنهانمودن عراق‌در منطقهٔ عربی " ، که‌درنتیجه‌ٔ آن عراق "احساس تنهائی وانزوا" کردو باعث شدکه "عراقیهاپیشنهاد مذاکره‌ٔ مستقیم و رودررو بدهند " و "ایران پیشنهاد عراق رابرای مذاکره‌ٔ مستقیم پذیرفت . "

محور سوم وچهارم (اینجا دو محور بر هم منطبقند) ، "برخورد قاطع نظامی درغرب وجنوب‌با تجاوزات وتوطئهٔ عراق " ،

و بالاخره محور پنجم ، "اجرای برنامه های تبلیغاتی بزبان عربی " .

وزیرخارجهٔ‌دولت موقت گفته است که اگر این "برنامه‌ها" ادامه می‌یافت ، نتیجه‌ٔ‌آنهاچه می‌شد . ولی شماحدود میتوانید نتیجه بگیرید که ، اگراین برنامه‌ها اجرا می‌شد ، صدام‌به‌ایران حمله نمی‌کرد و صلح وصفا بین عراق وایران برقرار و مستدام بود !

ازطرف دیگر ، آقای دکتریزدی ، که‌ظاهراقبول دارد که ، رژیم صدام‌حسین " در خدمت امپریالیسم آمریکا وصهیونیسم جهانی قراردارد "ولذااین‌دعوی که برنامه‌های "پنج محوری" میتوانست منجر به‌عقیم کردن تجاوز دارو دسته‌ٔ صدام‌حسین‌شود ،فقط‌می– تواند برپایهٔ این اعتقادباشدکه امپریالیسم آمریکا نیز میتواند بره" بی‌آزاری گردد .

بدینسان ، میرسیم به "خط گام بگام " ، خط سازش باآمریکا ، خط "چون وابسته بوده‌ایم باید وابسته بمانیم " ، خط مذاکره‌بابرژینسکی بدون‌اطلاع امام !

"خط برژینسکی" نیزمیدانیم دو "محور" دارد : یکی محورسرکوب قهرآمیزانقلاب ایران (کودتا و تهاجم نظامی ، چه‌مستقیم (طبس) وچه‌غیرمستقیم بوسیلهٔ‌صدام حسین) ویکی محور " مسخ " انقلاب ایران ، مقیم کردن آن ، بازگشت از "پنجره" ،که‌این محور همان "خط گام به‌گام " است .

برای بازگشت از "پنجره" باید شرایط فراهم کرد ، امواج خروشان انقلاب ایران را ،که‌برای برکندن ریشهٔ‌آمریکا درتلاطم است ، بایدازمسیرخود منحرف ساخت ، باید "سوءظن وعدم‌اعتماد" را به ویژه نسبت به اتحادشوروی دامن زد ، تا به تیرگی روابط ایران وشوروی منجر گردد وحمایت شوروی از انقلاب وجمهوری اسلامی ایران قطع شود ،زیرا :

"رئیس جمهوری (کارتر) معتقداست که‌پایان حمایت سیاسی ازجمهوری اسلامی‌ایران ، خصوصا توسط‌اتحادشوروی ، حتما به‌تضعیف مواضع سیاست خارجی رژیم خمینی منجرخواهدشد . "

وآقای وزیرخارجهٔ‌دولت موقت ، امروزنیزمانند وزارت خود ، دراین "خط" کوشا است .

این خط ،درنخستین مقاله از سلسله مقالات "صدام‌حسین" ، بابهره‌گیری‌ازمغلطه‌کاری ، برجستگی ویژه‌ای دارد ، تاخواننده دیگرمقالات را از دیدگاه همین "خط" ببیند .

دراین مقاله ، ایدئولوژی حزب بعث عراق یک التقاطی است "ازمارکسیسم مثله‌شده‌ٔ غرب وقومیت‌و ملی‌گرائی عربی " . این مارکسیسم مثله‌شده‌ٔ غربی ، چگونه مارکسیسمی است ؟ مهم نیست ، مهم اینست‌که‌به نوعی واژهٔ‌مارکسیسم بعنوان یک ایدئولوژی خصمانه بکار برده شود .

دراین مقاله ، "رژیم بعث عراق دراررتباط با ابرقدرتها " است . "هم ازکمکهای نظامی– اقتصادی اتحادجماهیر شوروی سوسیالیستی (!) بهره‌میگیرد و هم ازمحبت‌های ! ! پدرانهٔ ! آمریکا و انگلیس بر– خوردار است " . "هم میگ روسی‌دارد؟ هم فانتوم آمریکائی ! و هم‌تانکهای‌جدیدانگلیسی ! " (علامات تعجب وسئوال ازآقای دکتریزدی است .)

دراین مقاله میخوانید : "چه‌روسیه وچه آمریکا ویا دولتهای اروپائی هرگزبه‌کشوری‌اسلحه‌نمی‌فروشند که‌علیه رژیم صهیونیستی اسرائیل بکاربرد . "

آیاآقای دکتریزدی نمیداندکه کمکهای شوروی‌به عراق درزمانی بکلی دیگری‌آغازشدوکمترین‌ارتباطی با تجاوزداردوسته‌ٔ صدام‌حسین‌به ایران ندارد ؟

آیا آقای دکتریزدی نمیداند که‌اسلحهٔ‌سوریه ، وجنبش مقاومت فلسطین ، که علیه اسرائیل بکار می‌روند ، "روسی" است ؟

آیا آقای وزیرخارجهٔ‌دولت موقت نمی‌داند که اتحادشوروی بارها اعلام داشته که‌حاضراست‌هرکمکی که ایران بخواهد ، بدون قیدوشرط سیاسی ، به‌ایران بدهد وسیاست خارجی دولت موقت نه فقط‌کمکی نخواسته ، بلکه کوشش مستمر درتیره‌ساختن مناسبات ایران وشوروی کرده است ؟

آقای دکتریزدی همهٔ‌اینها را میداند ، ولی او وفادار به "خط‌گام‌به‌گام " ، به "خط‌برژینسکی "است‌و همچنان برای دامن زدن به "سوءظن" نسبت به همسایهٔ‌عمالی عالما عامدا سم‌پاشی می‌کند .

آقای دکتر یزدی ضمنامخالفین "خط‌گام‌به‌گام" را نیزازنیش خصمانه بی‌نصیب نگذاشته است ، وی "رژیم بعثی‌عراق" را "رژیم توده – نفتی" نامیده است ، تامهمل سخیفی راکه‌روزی سازشکاران وقت‌به حزب توده‌ٔایران نسبت داده بودند ، بخیال‌خود زنده کند .

سپس این "آزادیخواهی" که‌چشم دیدن حزب توده‌ٔایران را ، بدلیل مبارزهٔ پیگیر ضدامپریالیستی آن ، ندارد ، این انحصارگری‌که‌جز "خط برژینسکی" ، هیچ خط‌دیگری راقبول ندارد وسقوط‌دولت موقت را نتیجهٔ "توطئه‌ها" میداند ، بسراغ " انحصارگران" رفته مینویسد :

"روحیهٔ‌انحصارطلبی ، ضدام رابه‌انزوای‌مطلق کشانیده است ، کهاین سرنوشت همهٔ انحصارطلبان است " "که "کلیهٔ‌قشرها واحزاب و گروه‌ها و دستجات دیگررابااالقاب انحرافی ، سازشکار ، لیبرال ، دارای تمایلات انحرافی به‌این یاآن سیاست‌کوبیده‌اندومی– کوبند وتنها خودرا وگروه خودرااصیل و چدشه ناپذیر وصادق ومتعهد انقلابی میدانند " .

آینه چون نقش توبنمود راست
خودشکن ،آینه‌شکستن‌خطاست

رژیم‌دست‌نشانده‌عربستان‌سعودی‌به‌یکی‌ازتکیه‌گاههای‌اصلی تجاوز امپریالیسم‌امریکاعلیه خلق‌های منطقه‌تبدیل‌شده‌است

*** بدنبال ارسال هواپیماهای آواکس و گروهی‌از کارشناسان‌نظامی‌امپریالیسم آمریکا به عربستان سعودی، گروهی از افسران‌پنتاگون‌برای «بررسی نیازهای دفاعی عربستان سعودی» وارد این کشور شدند.**

تحریکات نظامی امپریالیسم آمریکا در منطقه بی‌وقفه ادامه دارد . سخنگویان "پنتاگون" (وزارت جنگ آمریکا) اعلام کردند که‌گروهی از افسران آمریکایی برای "بررسی نیازهای دفاعی عربستان سعودی" واردا این کشورشده‌اند .ورود این گروه به‌عربستان، درپی اعزام چهار هواپیمای "آواکس" ومدور سیمدکارشناس نظامی به‌این کشور صورت‌میگیرد .

سخنگویان "پنتاگون" گفتندکه ممکن است افسران آمریکایی "توصیه‌کنند" که موشک های زمین به‌هوا نیز درعربستان مستقر گردد .

به‌گفتهٔ این سخنگویان، ادارهٔ این موشکها با کارشناسان آمریکایی خواهد بود .

ازسوی دیگر بارهای ازرسانه‌های گروهی غربی خبر دادندکه‌هزارتفنگدار دریایی آمریکایی واردعربستان سعودی شده‌اند .بدین سان رژیم‌مرتجع و دست نشانده‌ٔ عربستان سعودی اکنون به‌یکی ازتکیه‌گاه‌های اصلی‌تجاوز و تحریک امپریالیسم آمریکا علیه خلق‌های‌منطقه تبدیل شده‌است .

گروهک امریکائی–مائوئیستی کومله به دفاع ازامریکا و دارودسته‌صدام‌حسین برخاست

گروهک مائوئیستی –آمریکائی "کومله" برای اشاب واستگی خودبه امپریالیسم آمریکا دارودسته ، صدام حسین ، باصدوراطلاعیه‌ای ارتشیان ایران‌را به "تمرد" ! دعوت کرد .

دراطلاعیه‌ٔ این گروهک"ساساخته که وظیفه ایجاد تفرقه بین نیروهای انقلابی وصاف کردن‌جاده برای بازگشت امپریالیسم آمریکائی ایران را بر عهده دارد ، آمده‌است که‌حکومت‌مرکزی‌قصد‌داردکه‌ارتشی– ها رابه‌کشتن بدهد . به‌همین دلیل آنهارا به‌جنگ با عراقی‌ها می‌فرستدتا آن‌ها را در مقابل پاسداران تضعیف کند .

بیشک این گروهک مائوئیستی –آمریکائی – صدامی ، وظیفهٔ‌محوله خویش را انجام میدهد ، اما نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران ، دوشادوش یکدیگر ، این مزدوران رادرهم می‌کوبندونوطئهٔ‌آنها را خنثی می‌سازند .

www.iran-archive.com

حجت‌الاسلام خامنه‌ای...

بقیه از صفحه ۱

هر ماسکی و پرده فریب و ریایی بنشینند».

وی آنگاه درمورد وضع‌جبهه خوزستان گزارشی داد و گفت: «از لحاظ عملکرد نیروهای ما در دزفول که مرکزمهمی است نیروهای ما به‌موفقیت چشمگیری دست یافتند و در اهواز نیروهای ما دست به تحرک بی‌سابقه‌ای زده‌اند. شهدایی و تلفاتی داشتیم اما دشمن چند برابر ما ضایعات و خسارت داشت» حجت‌الاسلام خامنه‌ای آنگاه ضمن‌خواندن وصیت‌نامه‌سروان شهیدعاشوری از روحیه قوی‌رزمندگان ایرانی یادکرد.

وی در قسمت دیگری از سخنانش به تحلیل جنگ پرداخت و گفت: «دولت بعثی عراق بصورت خنجری در دست استکبار پلید آمریکا بیرون آمد تا به گمان خود کار انقلاب اسلامی ایران را یکسره کند. جمهوری اسلامی را فلج کند، تصور نمیکرد که با یك نیروی‌عظیم و بی‌سابقه‌روبروست. اما در ورطه‌ای انداخت، این دست‌آزموده خود یعنی صدام پلید را که فعلا از آن ورطه خلاص شدنی نیست، اما نیروهای ارتجاعی منطقه که جرات نمی‌کردند به صراحت و وضوح مخالفت خودشان را با جمهوری اسلامی آشکار بکنند، به گمان اینکه دولت جمهوری اسلامی ایران در موضع ضعف قرار دارد آنها هم هرکدام به نحوی این خائن را پشتیبانی کردند. حسین اردنی خائن، قاتل هزاران فلسطینی‌مبارز و بعضی‌دیگر از امرا و پادشاهان منطقه عربی به زبان یا به‌عمل صدام را پشتیبانی کردند. ملك‌حسین اعلام می‌کند که‌حاضر است تانکهای اردنی را به کمك عراق بفرستد تا با ایران جنگ کنند. ما از این خبر و حادثه خوشحالیم، زیرا که همان کاری که تانکهای عراقی کردند تانکهای اردنی‌هم همان‌کار را خواهند کرد، در گل‌ماندنو منهدم شدن. اما فایده بزرگی که بر این کار مترتب می‌شود اینست که همه داعیه‌های ضداسرائیلی و ضدصهیونیستی این‌گونه چهره‌های کاذب و خائن به ملت عرب را افشاء می‌کند. در کنار مرز اسرائیل ساکت نشستن تجهیزات را علیه اسرائیل یکروز در طی چند سال به کار نینداختن، مبارزان ضداسرائیلی را کوبیدن کم نبود، حالا می‌خواهند جمهوری اسلامی را که بزرگترین ضربه را به استکبار جهانی آمریکا و به صهیونیسم بین‌الملل وارد آورده است هدف قرار دهند؟ تانکی که پشت به اسرائیل‌می‌کند و رو به‌جمهوری اسلامی میکند، حالش روشن است. افشاء شدن این چهره‌ها در این روزگار برای ما ملت‌ها نعمت بسیار بزرگ و عظیمی است، ملت اردن باید هوشیارانه به این کلمات و به این حوادث بیندیشد و حقایقی را که او به آنها محتاج است از لابلای آنها بفهمد.»

وی افزود: «بطورکلی استکبار آمریکا، استکبار بزرگ غرب امروز در مقابل مسئله انقلاب ایران درمانده است. زیرا ما ثابت کردیم که ملت ما جنگاور است و ملت ما تحمل تحمیل و ظلم را نمیکند. ما پیامی داریم که باید به جهانیان برسانیم هر مانعی در مقابل رساندن این پیام قرار بگیرد این ملت با نیروی یکپارچه خود و با استمداد از ملتهای دیگر آن مانع را منهدم می‌کند، صدام یکی از این موانع‌بود، رو به انهدام و انحطاط است.»

حجت‌الاسلام خامنه‌ای ضمن اشاره به جانبازی اکثریت افراد مسلح ارتش جمهوری اسلامی ایران درباره کم‌کاریهایی که صورت می‌گیرد اخطار کرد و گفت: «من این حقیقت را باید به ملت ایران بگویم. عده‌ای هنوز کم‌کاری می‌کنند. عده‌ای هنوز انقلاب را و جنگ اسلام و کفر را جدی‌نمی‌گیرند. ما سعی می‌کنیم به آنها بفهمانیم کم‌کاری کردن و اهمال‌کردن و کوتاهی کردن... برای‌آنهابهای‌سنگینی‌دارد، زیرا انقلاب ما را به خطر می‌اندازد. اما اگر دیدیم که گفتن اثری نمیکند آنوقت به تکلیف اسلامی خود و انسانی خود در این زمینه عمل می‌کنیم. امام و امت را درجزئیات دقیق و ریز امر قرار خواهیم داد.»

وی ضمن اشاره به افرادی که با کم‌کاری خود با جانبازان انقلاب، همگامی نمی‌کنند گفت: «آنها بهیچوجه برای مردم قابل تحمل نیستند. خوشبختانه عده این‌گونه افراد زیاد نیست. من به این وسیله و در این تریبون و در حضور این جمعیت انبوه، به همه‌آن کسانی که در رابطه با این مسائل چه در شمال‌کشور در جنوب کشور و در همه یگانهای نظامی در سراسر کشور دچار بیماری کم‌کاری هستند به‌این‌وسیله‌هشدار میدهم، به آنها نصیحت می‌کنم از آنها میخواهم که جانفشانی برادران خود، جانبازی درخشان برادران سپاه پاسدار را ببینند و از آنها درس بگیرند».

حجت‌الاسلام خامنه‌ای ضمن تشریح این نکته که وضع جبهه‌های جنگ نسبت به جبهه قبل بهتر است تائید کرد که جنگ ما با استکبارجهانی به‌این‌زودیها پایان نمی‌پذیرد و افزود: «مردمان، زنمان، پیرمان، جوانمان در هر شغلی در هر صنفی، در هر وضعی‌آماده رویارویی با حوادث بزرگ باشد جهاد با مال و جهاد با جان».

حجت‌الاسلام خامنه‌ای در قسمت پایان سخنانش به فعالیت ستون پنجم دشمن در خاك ما اشاره کرد و گفت: «همه آن عناصری که در طول این یکسال و نیم و نوزده ماه علیه جمهوری اسلامی حرکت و عملی انجام می‌دادند امروز مستقیم یا غیر مستقیم جاسوسان‌یا عاملان دشمن ما هستند. اینها در خوزستان هم هستند در تهران هم هستند در سایر جبهه‌های جنگ و سایر مناطق کشور هم هستند... اگر دست‌بردارند، اگر ستون پنجم دشمن و مزدور عامل و جاسوس دشمن از خرابکاری و بدکاری و ضربه‌زدن خود در این موقع ویژه و حساس زمانی دست‌بردارد باید بداند که فرمان و دستور نمیخواهد مردم با شدت چنین‌عوامل و عناصری را سرکوب‌خواهندکرد. مخصوصا گزارشاتی داشتیم از خرمشهر و بعضی مناطق دیگر در خوزستان که عوامل مزدور دست‌نشانده خائن بیوطن... مشغول تضعیف روحیه و پراکندن خبرهای دروغ هستند، ملت باید اینها را شناسایی کند، عناصر خائن را معرفی کند و انتقام سختی این انقلاب و این ملت از این‌گونه افراد خواهد کشید».

وحدت متشکل...

بقیه از صفحه ۱

جمهوری اسلامی ایران را تاکنون نقش بر آب کرده است. این نیروی عظیم و مقدس باید با حداقل زیان و حداکثربهره بکار برده شود. هریك از ما، در این لحظه تاریخی، در برابر همه تاریخ، در برابر انقلاب، در برابر خلق، در برابر هر وجب‌از خاك ایران و هر ریال از ثروت آن پاسخگوئیم.

انقلاب شکوهمند ما سخت‌در معرض خطراست. نظام جمهوری اسلامی ایران مورد تهدیدی گسترده، همه‌جانبهٔ و چندی قرار دارد. لحظه‌ای هم نباید غفلت کرد. برای مقابله‌ی شایسته و دندان‌شکن با دشمن حیله‌گر، خونخوار و توانگری چون امپریالیسم، بسرکردگی امپریالیسم آمریکا، که همه نیروهای‌جنبش خود را علیه انقلاب ایران بسیج کرده است، باید نیروهای عظیم خلق را سازمان داد و متشکل کرد، زیرا وحدت غیر متشکل همانند اسلحه‌ایست که قطعاتش مجزا از هم و سوار نشده‌اند. وحدت بی‌شکل چون شمشیری است کند و تیز نشده. تشکل سازمانی، شمشیر وحدت را به مراتب برانر میکند، کاربرد به موقع و بجای آنرا آسانتر می‌سازد، ثمرات آنرا در نبرد به حداکثرمیرساند و زیانهای‌مبارزه را به حداقل کاهش میدهد.

تشکل سازمانی وحدت نیروهای سیاسی و اجتماعی سبب ثمرکردرت و افزایش تاثیر آن است. درچنین موقعیت فوق‌العاده حساس و دشوار تاریخ کشورما، اهمیت این تشکل بمراتب بیش از هر وقت دیگر است. هرلحظه تعلل و تسامح در اجرای آن با زیانهای جبران نشدنی همراه است. بر همه‌سازمانها، گروهها، احزاب و جمعیت‌های سیاسی و اجتماعی است که با درك عمیق اهمیت موقع، در راه سازماندادن به وحدت عظیم خلق بکوشند. تشکل‌وحدت‌همه نیروهای‌راستین انقلاب، همه هواداران مومن به نظام جمهوری اسلامی ایران‌زیر رهبری امام خمینی، ضرورت تاخیرناپذیر روز است. بنظر ما تشکیل کنگره تفاهم همه‌نیروهای هوادار انقلاب و وفادار به جمهوری اسلامی ایران می‌تواند قدمی موثر در این راه باشد.

وحدت توده‌های مردم رزمنده رمز پیروزی قطعی بر رژیم‌طاغوت آریامهری‌دست‌نشانده‌امپریالیسم، بسرکردگی امپریالیسم امریکا در ایران بود. وحدت همه نیروهای مردم رزمنده ضامن پیروزی قطعی و نهائی بر شیطان بزرگ، دشمن اصلی ما، امپریالیسم به سرکردگی‌امپریالیسم‌امریکاست، که اکنون صدام جنایتکار را آلت اجرای مقاصد شوم خود ساخته است. این وحدت را متشکل کنیم و با سربلندی به پیروزی قطعی و نهائی رسانیم!

توجه!

مطالب زیر، که در هفته گذشته در نامه «مردم» انتشار یافت، برای مطالعه ویژه رفقا توصیه میشود:

- فراخوان کمیته مرکزی حزب توده ایران:

در جنگ عادلانه برای دفاع از میهن‌انقلابی و درهمشکستن توطئه‌های آمریکا شرکت کنید! (شماره ۳۴۹)

- نورالدین کیانوری:

ارزیابی حزب توده ایران درباره تجاوز رژیم تبهکار صدام حسین به جمهوری اسلامی ایران (شماره‌های ۳۵۳ ـ ۳۵۲)

دوستی اتحاد...

بقیه از صفحه ۱

شوروی را متزلزل سازند.»

تقریبا همزمان با سخنرانی نامبرده، عبدالحلیم خدام، وزیر خارجه سوریه گفت:

«اتحاد شوروی دوست اعراب است و به اعراب کمك میکند.»

در اوج تبلیغات ضدشوروی‌در پیوند با رویدادهای افغانستان، هنگامیکه ارتجاعی‌ترین رژیمهای منطقه، زیر نقاب «اسلام»، می‌کوشیدند تا امپریالیسم آمریکا را از زیر ضربه خارج سازند و برخی مسلمانان صادق نیز متاسفانه از درك ماهیت راستین این کارزار پرژیسنکی فرموده عاجز بودند، زمامداران سوریه در این دام نیافتادند. به‌گزارش رسانه‌های گروهی سوریه، حافظ اسد در ملاقات خود با شاه محمد دوست، وزیر خارجه جمهوری‌دمکراتیك افغانستان، در دمشق، در اواخر فروردین ماه سال جاری، توطئه‌های آمریکا را علیه افغانستان قویا محکوم کرد.

چند روز بعد، عبدالحلیم‌خدام، وزیرخارجه‌سوریه، در مصاحبه‌ای با روزنامه الجزایری «مجاهد» گفت که:

«امپریالیستم آمریکا تلاش دارد نظراعراب‌را بسوی‌افغانستان منحرف سازد و بدین ترتیب کشورهای عربی را وادارد، تا دشمن اصلی را نادیده بگیرند.»

موضعگیری اصولی سوریه‌در برابر رویدادهای افغانستان تصادفی نیست، بلکه از سیاست خارجی عمیقا ضد امپریالیستی‌و ضدصهیونیستی این کشور سرچشمه میگیرد. نمونه بارز این سیاست را در موضع استوار سوریه درقبال «مسئله خاورمیانه» مشاهده میکنیم. پس از تبانی «کمپ دیوید» میان کارتر، بگین و سادات و سازشکاری دیگر کشورهای عرب، سوریه، همراه با دیگر کشورهای عضو «جبههٔ پایداری»، به یکی از مهم‌ترین سنگرهای مبارزه جنبش‌های آزادی‌بخش عرب، بویژه جنبش مقاومت خلق فلسطین، علیه امپریالیسم آمریکا، صهیونیسم تجاوزکار وخیانت‌پیشگان‌ارتجاعی عرب تبدیل شد. بی‌سبب نیست که امپریالیستها و ارتجاعیون منطقه فعالیت‌های «تبلیغ‌زدایی» خود را علیه دولت سوریه شدت بخشیده‌اند.

زمامداران کنونی سوریه، با وقوف به ضرورت همبستگی جنبش‌های آزادی‌بخش ملی و کشورهای سوسیالیستی درمبارزه علیه امپریالیسم و برای دست‌یابی به استقلال‌راستین وپیشرفت اجتماعی، اتحاد جماهیر شوروی را یکی‌از صدیق‌ترین دوست‌های خلق سوریه تشخیص داده‌اند.

با توجه به‌شرایط بس‌حساس منطقه خاورمیانه‌در دوران کنونی، سفر حافظ اسد به اتحادشوروی از اهمیتی ویژه برخوردار می‌شود. تجاوز رژیم صدام حسین به کشورما، که بخشی از توطئه براندازانه امپریالیسم آمریکا علیه انقلاب ایران و جمهوری اسلامی ایران است، پرده از چهره ریاکار کشورهای پیرو اسلام امریکائی منطقه دریده و بیش‌از هموقت ضرورت‌همبستگی همه گردانهای جنبش ضد امپریالیستی منطقه‌را علیه امپریالیسم آمریکا، صهیونیسم و ارتجاعیون نخاله‌تکار به ثبوت رسانیده‌است.

گسترش و ژرفش مناسبات میان سوریه و اتحاد شوروی، گامی است سترگ و کارآ در این راستا.

وظایف اعضای حزب تودهٔ ایران...

بقیه از صفحه ۲

که ازجمله‌باپیروزی ویتنام ولائوس وکامبوج تسریع شد ـ سه‌کشور «المته ویتنام شمالی فعلا "هم یک کشورسوسیالیستی‌بودوکشورهای‌موزامبیک و آنگولا وگینهٔ بیسائو و کاب‌وردی وانیوپی وافغانستان و بعد هم انقلاب‌های بزرگ ضدامپریالیستی دردیاسه‌وقوع پیوست ،ازآن‌حطه انقلاب ایران هست ، انقلاب نیکاراگوآ هست ، وغیره وغیره ، اینها ظاهرا" باهم مخلوط شده ، این دفـ دوازده تا کشور هم به دنبال هم دیگر افتاده واین‌طورنمایان شده است که گویا ایران هم سمت‌گیری سوسیالیستی‌دارد ، چنین‌چیزی‌منظورنبوده‌است‌ومن‌دریاسخ سئوال ـ های قبلی دیگرهم درمورد انقلاب ایران‌وماهیت آن ، باتمام دقت گفتمام که‌انقلاب ایران ماهیت ضدامپریالستی و خلقی دارد .

این مطلب رامادرچاپ جزوه کشماره ۸ (۱۸) سلسله جزوات "پرسش وپاسخ" راتشکیل خواهد داد وبزودی انتشارمی‌یابد حتما" دقیق خواهیم کرد .

ملك‌حسین بکمك صدام می‌شتابد

بقیه از صفحه ۱

نخواهم کرد. اگر ضرورت داشته باشد، من به طرفداری از عراق دخالت خواهم کرد.»

شاه اردن در این مصاحبه گفته است که عراق دارای حقوق بی‌چون‌وچرای تاریخی‌بر زمینهائیست که‌میکوشد، دوباره بدست‌آورد!

اما همین ملك‌حسین در دوران شاه ملعون، وی را «برادر بزرگ» خود میخواند، معتقد به این حقوق بی‌چون و چرای تاریخی برای ایران بود، زیرا آنروز محمدرضا مقام سرکردگی نوکران امریکا را داشت و رژیم آدمکش او نقش ژاندارم آمریکا در منطقه را ایفا میکرد و امروز از جانب ارباب بزرگ این مقام و نقش به صدام‌حسین و رژیم سفاك وی تفویض شده، و قره نوکرانی مانند ملك حسین باید از او تبعیت کنند و در این جنایت به کمك او بشتابند.

روزنامه گاردین، چاپ لندن، به نقل از منابع فلسطینی دربیروت خبر میدهد که، شاه اردن ۵ هزار تن از نیروهای مسلح اردن را به عراق اعزام کرده است. این واحدهای نظامی اردنی ماموریت دارندکه امور انتظامات داخل شهرهای عراق را بعهده بگیرند، تا عراق‌بتواند واحدهای نظامی مامور انتظامات در داخل کشور را به جبهه‌های‌جنگ با ایران اعزام دارد. بدین ترتیب رژیم ملك‌حسین عملا در جنگ و تجاوز رژیم صدام‌حسین علیه جمهوری اسلامی ایران شرکت دارد و آماده است همه امکانات خود را در اختیار داروُدسته جنایت‌پیشه صدام‌حسین قرار دهد.

در همان نخستین روزهای تجاوز رژیم صدام حسین به ایران، از جانب خبرگزاریها و مطبوعات این خبر منتشر شد که، تعدادی از هواپیماهای نظامی عراق برای حفاظت دربرابر حملات هوائی‌ایران، در پناهگاههائی در خاك اردن مستقر شده‌اند. بدنبال این خبر، فاش شد که در هفته گذشته پایگاههای هوائی اردنی برای حمله هوائی به خاك ایران مورد استفاده هواپیماهای عراقی قرار گرفته‌اند.

ملك‌حسین در خوش‌خدمتی و نوکرصفتی در برابر اربابان امریکائی خود بد طولا و سوابق «درخشانی» دارد، پس از خیانت سادات به منافع خلقهای عرب و تسلیم در برابر سیاست توسعه‌طلبانه اسرائیل، که به امضای موافقت‌نامه‌های کمپ‌دیوید انجامید، ملك حسین در این میان نقش دلال این معامله را بعهده گرفته بود و در برابر دریافت دستمزد از اربابان امریکائی خود، تلاش میکرد که دیگر کشورهای عربی مورد تجاوز را متقاعد به قبول موافقت‌نامه‌های کمپ‌دیوید و پیوستن به آن بنماید، و زمانیکه به اینکار موفق نشد، مرتکب بزرگترین جنایت علیه خلق عرب فلسطین شد. در این جنایت، که در چند سال پیش انجام گرفت، ارتش مزدور وی، بنا به توصیه امریکا، اسرائیل، سادات و شاه ملعون، ۲۰ هزار نفر از رزمندگان و غیرنظامیان فلسطین را قتل‌عام کردند، با این هدف که، با وارد‌کردن ضربه مهلك به خلق‌عرب فلسطین، این خلق را وادار به تسلیم در برابر امریکا و اسرائیل و صرفنظر کردن از حق تعیین سرنوشت بنماید.

پیروزیهای مردم انقلابی ما در جنگ تجاوزی تحمیلی دارودسته خائن صدام حسین علیه جمهوری اسلامی ایران، که طبق طرحهای توطئه امپریالیسم امریکا، با هدف براندازی نظام جمهوری اسلامی ایران انجام گرفته، رژیمهای سرسپرده و نوکران‌امپریالیسم آمریکا مانند سادات، ضیاءالحق، سلطان قابوس و ملك حسین را سخت نگران ساخته است. آنها بیم دارند که موج انقلابی و پیکار ضدامپریالیستی خلقهای این منطقه، که تحت تاثیر پیروزی انقلاب شکوهمند مردم ایران و انقلاب دمکراتیك ملی در افغانستان، با توان و قدرت شکست‌ناپذیری به حرکت درآمده است، سرنگونی رژیمهای سرسپرده آنان و پایان بخشیدن به سلطه امپریالیسم امریکا در این منطقه را در دستور روز مبارزه خلقهای کشورشان قرار دهد و این رژیمهای ضدخلقی سفاك و دست‌نشانده امپریالیسم امریکا را به گورستان تاریخ بسپرد، از اینجاست که تمام رژیمهای مرتجع و دست‌نشانده منطقه به سرپرستی و کارگردانی امریکا، همه نیروی خود را بر ضد انقلاب و جمهوری اسلامی ایران بکار انداخته‌اند.

در برابر جبهه متحد رژیمهای مرتجع و دست‌نشانده منطقه، به سرکردگی امپریالیسم امریکا، ایران انقلابی وظیفه دارد که جبهه متحد ضدامپریالیستی و ضد ارتجاعی را با شرکت جنبش‌های رهائی‌بخش ملی در منطقه و کشورهای مستقل و ضدامپریالیست درمنطقه بویژه اعضای جبهه پایداری ـ سوریه، الجزیره، لیبی، یمن‌دمکراتیك و سازمان آزادیبخش فلسطین بوجود آورد. تشکیل چنین جبهه متحدی ضامن پیروزی بر شیطان بزرگ و شیطانك‌هاست.

مرگ بر امپریالیسم جهانخوار امریکا، دشمن اصلی خلق‌های ایران و جهان

www.iran-archive.com

در جلسه علنی دیروز مجلس گفته شد:

آمریکا همه فشار خود را متمرکز کرده، تا «خوزستان آزاد» را تشکیل دهد

مجلس

★ ما روی این حرف خود ایستاده‌ایم که، آمریکا هیچ غلطی نمی‌تواند بکند.

★ آمریکای جنایتکار با حمله شبانه به دزفول ، که در آن حداقل ۶۰ نفر از مردم بیگناه کشته شدند، سندی از خود بجای گذاشت که دست‌کمی از جنایت ویتنام ندارد.

★ هدف آمریکا این‌است‌که، مردم شهر دزفول را ترک کنند و آنها بتوانند این گلوگاه خوزستان را به‌چنگ آورند.

★ صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران مدیریت واحد ندارد و قسمت‌های رادیو و تلویزیون خودمختار عمل می‌کنند.

★ نماینده دزفول: پسربچه‌ای که نزدیك مرز ایستاده بود، به من گفت: اینجا ایستاده‌ام تا اگر تانکهای دشمن خواستند وارد وطن من بشوند از روی جنازه‌ام بگذرند.

در جلسه علنی دیروز مجلس شورای اسلامی، که به ریاست حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی تشکیل شد، بمباران وحشیانه شهر دزفول توسط عمال صدام حسین جنایتکار محکوم شد.

اولین ناطق پیش از دستور این جلسه، بشارتی بود، که به جبهه جنگ رفته بود. وی ضمن گزارشی که در این مورد به مجلس داد، از جمله اظهار داشت:

«روحیه پرسنل ارتش، بخصوص نیروی هوایی، بسیار خوب است. در حالیکه یك خلبان نیروی هوایی عراق را دیدیم که بدون هیچ برخوردی با آتشبارها، از وحشت سقوط کرده بود. یکی از خلبان‌های ایرانی می‌گفت: «واشر معمولی هواپیما را آمریکا به ما ۸۰۰ دلار می‌فروخت و اجازه نمی‌داد ما کوچکترین تکه‌ها را در ایران بسازیم، در حالیکه همین چندی پیش دم هواپیمائی را که در اثر برخورد موشك از بین‌رفته بود، ما خود در ایران درست کردیم.»

بشارتی افزود: «مرز مشترك ما با عراق ۸۳۰ کیلومتر است. این مرز از آغاز انقلاب ناآرام بود. ولی اینك از آنجا که خوزستان مورد نظر عراق، یعنی آمریکا، است،همهٔ فشار خود را روی‌این‌منطقه متمرکز کرده‌اند تا باصطلاح «خوزستان آزاد» را اعلام کنند! ولی آن‌ها هرگز نخواهند توانست دست به این عمل بزنند. ما در جبهه هواپیماهای‌فرانسوی و هلیکوپترهای ایتالیائی دیدیم. یعنی ما با دنیا می‌جنگیم. عراق که چیزی نیست.»

ناطق سپس اضافه کرد:

«شوش و اهواز زیر فشارند، ولی این همه‌واقعیت نیست. ما هم در عراق تمام پالایشگاه‌ها، پل‌ها، راه‌آهن‌ها، راه‌ها و... را از بین برده‌ایم. مردم عراق برای کبریت هم در صف می‌ایستند و عشایر دجله و فرات هم بپا خاسته‌اند.»

بشارتی در پایان اظهار داشت که یك بمب‌عمل نکرده عراق و یك موشك آمریکایی به تهران آورده شده، و نتیجه‌گیری کرد:

«جنگی به ما تحمیل شده است، ولی هنوزبعضیها جنگ را جدی تلقی نکرده‌اند. آمریکا قرار است آواکس به عربستان بدهد، لذا ما چاره‌ای جز این نداریم که جنگ را تا آخر ادامه بدهیم، مردم هم حمایت می‌کنند. نیروهای ارتشی هم آماده‌اند. ولی نیروی هوایی را باید نیروی زمینی حمایت بکند.»

نصیری، سخنران بعدی قبل از دستور، نیز در باره جنگ عراق با ایران و کمك‌های مردم سخن گفت. او در سخنان خود به امام خمینی، ملت و دشمن حقیر، خطاب کرد و از جمله اظهار داشت:

«ما امروز مانند یك‌بیدار درجمع خفتگان‌هستیم. بیدارکردن این خفتگان مشکل است. اما دنیا بداند که ما روی این حرف خود ایستاده‌ایم که، آمریکا هیچ غلطی نمی‌تواند بکند. صدام نیز حقیرتر از آن است که به وی بپردازیم. او دهانه یك آتشفشان‌است. او یك دمل چرکین و نماینده حقیر دشمنان ماست.»

سند تازه‌ای از آمریکای جنایتکار

ضرغامی، ناطق بعدی نیز به حملات دشمن به دزفول پرداخت و اضافه کرد:

«آنها دیشب (شب پنجشنبه) نیز به دزفول حمله کردند. آمریکای جنایتکار دیشب سندی از خود به جای گذاشت که شاید دستکمی از جنایات ویتنام نداشته باشد. دیشب در ساعت یازده و نیم، نیروهای اهریمنی ارتش عراق باعث شدند که در چند نقطه‌شهر زمین زیر و رو بشود و جمعیت کثیری از مردم بیگناه در زیر خروارهای خاك مدفون شوند. هنوز بیرون کشیدن اجساد از زیر خاك ادامه دارد. تاکنون حدود ۶۰ جسد از زیر خاك بیرون کشیده‌اند و این کارهنوز هم ادامه دارد.»

وی افزود: «من امیدی به‌سازمان ملل ندارم، اما از سران منصف جهان سوم تقاضا می‌کنم به این آب و خاك جنگ‌زده بیایند و آن را از نزدیك ببینند. این حرکت مذبوحانه دلیل یاس آمریکاست. آنها با این کار یك هدف جنایی را در دزفول‌دنبال می‌کردند.هدف آنها این است که مردم دزفول شهر را ترك کنند و آنها بتوانند این گلوگاه خوزستان را به چنگ آورند. ولی این آرزو را بر دل صدام خائن میگذاریم. من پسربچه‌ای را نزدیك مرز دیدم. از او پرسیدم: چرا اینجا ایستاده‌ای؟ گفت: ایستاده‌ام تا اگر تانکهای دشمن خواستند وارد وطن من شوند، از روی جنازه‌ام بگذرند.»

ضرغامی سپس‌با اشاره به‌اینکه‌امروز(پنجشنبه)مردم دزفول عزای عمومی دارند، مردم ایران را دعوت به شرکت در این عزای عمومی کرد و ضمنا خسوستار تقویت بیمارستانهای دزفول و ترمیم خرابیهای مرکز برق دزفول شد.

آنگاه یونس محمدی پشت تریبون قرار گرفت و اظهار داشت:

«سخن اول من یا بلندگوی استعمار، بی‌بی‌سی، است که خبر کذبی درباره خرمشهر پخش کرد. این خبر کذب باعث ناراحتی و تشویش مردم شد و شبهای بعد هم این آرزولی را که‌هرگز برآورده نخواهد شد، تکرار کرد.»

ناطق افزود: «من به همه اعلام می‌کنم که مردم مبارز ما در خرمشهر، دزفول و سایرنقاط آماده‌مقاومت هستند و خبرهای بی‌بی‌سی اکیدا دروغ است.»

یونس محمدی آنگاه از مسئولین رادیو و تلویزیون خواست که یك مرکز رادیو و تلویزیون مستقل‌عرب زبان در منطقه خوزستان ایجاد شود، تا به این‌ترتیب با تبلیغات دروغین رژیم صدام حسین مبارزه شود.وی همچنین از مسئولین خواست که از هم‌اکنون به فکر خانواده شهدا و معلولین این جنگ باشند و ضمنا از نظر امور پزشکی و دارویی به این مناطق از جمله شادگان توجه کنند.

پس از پایان سخنان پیش از دستور، و تسلیت رئیس مجلس به مردم دزفول به‌مناسبت بمباران‌جنایت‌کارانه این‌شهر، مجلس وارد دستور شد.

در این قسمت مسئله تامین هزینه خانواده‌هایی که نان‌آوران آنها به جبهه می‌روند، مطرح گردید و در این مورد لایحه‌ای به مجلس داده شد. درمورد فوریت این لایحه رای گرفته شد و به تصویب رسید. سپس طرح دوفوریتی درباره بسیج مستضعفین و لزوم تسریع در تسلیح مردم به مجلس ارائه شد. بر اساس این طرح بسیج مستضعفین باید ضمیمه قسمت ذخیره سپاه پاسداران شود. در رای‌گیری که به‌همین مناسبت به عمل آمد، اکثریت مجلس دوفوریت‌بودن این لایحه را رد کرد. این لایحه به کمیسیون مربوطه ارجاع شد.

هر قسمت رادیو و تلویزیون خودمختار است

مجلس آنگاه به بحث درباره چگونگی اداره رادیو و تلویزیون پرداخت. در این زمینه، امامی در باره طرح مربوط به اداره رادیو وتلویزیون توضیحاتی داد.

آنگاه حجت کشفی، اولین مخالف این طرح، سخن گفت. او از جمله اظهار داشت:

«شرائط ذکر شده در این‌طرح مناسب یا اهمیت این موسسه حیاتی نیست. علاوه بر آن تعداد افراد اداره‌کننده هم، که در این طرح می‌آید، ناکافی است، زیرا رادیو و تلویزیون در همه نقاط جهان و بخصوص در شرایط کنونی در جمهوری اسلامی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.»

انصاری، سخنران بعدی،بعنوان‌اولین موافق‌گفت:

«در اینکه این طرح ضروری هست و مطابق با نیازهای فعلی جامعه هست، هیچ بحثی نمی‌تواندوجود داشته باشد. هر روز که از بی‌لیاقتی هریك از ارگان می‌گذرد، آنهم ارگانی که امام آن را دانشگاه خطاب می‌کنند، ضربه‌های جبران‌ناپذیری را بر پیکر انقلاب خواهد زد.»

شرافت مخالف بعدی لایحه مزبور اظهار داشت:

«یکی از بزرگترین مشکلات ما پس از انقلاب در رابطه با رادیو و تلویزیون این است که، خط‌مشی کلی که، باید در این سازمان رعایت می‌شد، تاکنون مشخص نشده است و هر گروهی که به آنجا رفته، با ضوابط خود عمل کرده است. این مسئله خسارت‌های زیادی در رابطه با انقلاب به ما وارد آورده است.»

ناطق آنگاه ضمن بررسی مواد مختلف این‌لایحه و عیوب آن تاکید کرد که، رادیو و تلویزیون باید هویت انقلاب و دستاوردهای آن را به ایرانیان و سایر مردم جهان بشناساند.

در همین زمینه چند تن دیگر از نمایندگان به عنوان موافق و مخالف سخن‌گفتند. یکی ازنمایندگان، ضمن سخنان خود از مسئولین خواست که، هربار پس از اعلام «وضعیت قرمز»، اصل واقعه را به اطلاع مردم برسانند.

آنگاه بهزاد نبوی، نماینده دولت، درباره طرح سخنانی ایراد کرد. وی از جمله اظهار داشت:

«این اداره باید هرچه زودتر از قول بـه فعل درآید و صدا و سیما از بلاتکلیفی بیرون آید. در حال حاضر یك مدیریت‌واحددر سیما و صدای‌جمهوری اسلامی ایران وجود ندارد، و به علت مشخص نبودن سرپرستی، که معمولا حتی حضور فیزیکی هم درآنجا ندارد، هر قسمت خودمختار است و هر روزی که می‌گذرد، فروپاشی این سیستم بیشتر به چشم‌می‌خورد.»

وی سپس پیشنهاد کرد که اتفاق آراء شورای سرپرستی صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران.در مورد انتخاب مدیر عامل مورد نظر قرار گیرد.

خط برژینسکی روزنامه دیگری منتشر میکند!

«مبارزه‌برای لیبرالهای‌سازش‌کار و پیروان خط برژینسکی هنوز پایان نیافته است.» این مفهوم‌واقعی‌جمله‌ایست از آگهی انتشار قریب‌الوقوع یك روزنامه که اینروزها در صفحات نخست برخی از روزنامه‌ها با حروف درشت به‌چشم میخورد. بورژوازی لیبرال «میخواهد سنگر دیگری بسازد» تا از ان جمهوری‌اسلامی ایران و انقلاب ایران را مورد حملات بیشتری قرار دهد. این «سنگر» روزنامه‌ای است‌متعلق‌به صادق قطب‌زاده، کهس ارتلاش نافرجام یکساله در راس وزارت امور خارجه ایران برای‌کشاندن جمهوری اسلامی ایران به‌انزوای واقعی و در نتیجه انقلاب ایران به راه شکست به «مبارزه» ادامه میدهد.

نام «سنگر» جدید پیروان‌خط برژینسکی، «والعصر» است، که نوید تولد قریب‌الوقوعش داده شده است.

پیش‌بینی چهره‌ای که این موجود خواهد داشت، مشکل نیست. «میزان» است با زبان خاص قطب‌زاده، که همگی با آن آشنائی دارند: دوستدار مرتجع‌ترین و ضدانقلابی‌ترین رژیمهای دست‌نشانده منطقه‌چون پاکستان و ترکیه و... و دشمن رژیمهای مترقی و انقلابی و دوستان و متحدان واقعی‌انقلاب ایران، چون جبهه پایداری و کشورهای سوسیالیستی؛ مدافع رابطه یکجانبه با امپریالیسم؛ به سرکردگی امپریالیسم امریکا و مخالف قطع‌وابستگی به امپریالیسم آمریکا و گسترش‌روابط برابر حقوق با کشورهای‌مترقی و انقلابی؛ خلاصه پیرو خط برژینسکی! دشمن پشتیبانان واقعی انقلاب و جمهوری‌اسلامی ایران در درون کشور، چون مسلمانان راستین پیرو خط امام خمینی و نیز و بویژه حزب‌توده ایران و بطور خلاصه «سنگری»، که تنها از آن آتشبار دروغ و بهتان و فریب بر سر انقلاب ایران فرومیریزد.

قطب‌زاده که چنین بود ـ اگر تغییر شخصیت نداده باشد ـ روزنامه‌اش هم چنین‌خواهد بود.

ما نسبت به این توطئه جدید پیروان خط‌برژینسکی به‌مسئولین جمهوری اسلامی ایران هشدار میدهیم. قطب‌زاده را پیش از این آزمودن خطاست!

ما سخن را درمورد معرفی‌این نشریه به پایان می‌بریم و پس‌از تولد نوزاد «ماماهای» دیگرآنرا نیز به مردم انقلابی ایران‌معرفی خواهیم کرد.

نامهٔ مردم
ارگان مرکزی حزب تودهٔ ایران
دارندهٔ امتیاز
و مدیر مسئول:
منوچهر بهزادی
خیابان ۱۶ آذر شمارهٔ ۶۸
(دفتر نامهٔ «مردم» هنوز در اختیار نامهٔ «مردم» نیست)
NAMEH MARDOM
No. 354
11 October 1980
Price:
West-Germany 0.80 DM
France 2 Fr.
Austria 8 Sch.
England 20 P.
Belgium 10 Fr.
Italy 350 L.
U.S.A. 40 Cts
Sweden 1.50 Skr.
خوانندگان گرامی‌نامه مردم‌وهمه مقامات‌دولتی و غیردولتی میتوانند به‌آدرس زیرنامه‌مردم مکاتبه کنند:
صندوق پستی ۴۱/۳۵۵۱، منطقه ۱۳ پستی تهران

لئونید برژنف: اتحاد شوروی همواره در کنار اعراب بوده و خواهد بود

* حافظ اسد از حمایت قاطع اتحاد شوروی از آرمان اعراب ستایش کرد

مذاکرات لئونید برژنف و حافظ اسد، رهبران اتحاد شوروی و سوریه، در مسکو ادامه دارد. در جریان مذاکرات یك معاهده دوستی و همکاری میان رهبران دو کشور به امضاء رسید. در این معاهده‌همکاری‌های دو کشور در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، نظامی و دیگر زمینه‌ها پیش‌بینی شده است. رهبران دو کشور تاکید کرده‌اند که این معاهده علیه هیچ کشوری نیست و تنها به‌ثبات‌در آسیا و منطقه کمك‌خواهد کرد.

حافظ اسد رئیس جمهوری سوریه در سخنان خود از حمایت قاطع اتحاد شوروی از آرمان اعراب و از مبارزه مردم سوریه، ستایش کرد.

لئونید برژنف رهبر اتحاد شوروی نیز اعلام کرد که اتحاد شوروی همواره در کنار اعراب بوده و خواهد بود.

گشایش کنفرانس احزاب کمونیست ۲۱ کشور اروپائی در بلژیك

کنفرانس احزاب کمونیست ۲۱ کشور اروپایی در بروکسل گشایش یافت. در این کنفرانس بویژه بحران اقتصادی رو به گسترش در اروپای غربی مورد بحث قرار میگیرد.

دبیرکل حزب کمونیست بلژیك در سخنرانی گشایشی خود، ضمن اشاره به جنایات گروههای دست‌راستی‌فاشیستی در ایتالیا،فرانسه و آلمان فدرال، گفت که این گروهها فعالیت‌های جنایتکارانه خود را در اروپای غربی گسترش میدهند.

رئیس اتحادیه جوانان کمونیست سوئد:

مردم افغانستان به‌دولت اعتماد دارند و از انقلاب ثور حمایت میکنند

علیرغم تبلیغات بیشرمانه رسانه‌های گروهی امپریالیستی علیه افغانستان، واقعیات این کشور روز به روز بیشتر آشکار می‌شود.

رئیس اتحادیه جوانان کمونیست سوئد، که برای شرکت در کنگره جوانان دمکراتیك افغانستان به این کشور رفته بود، در بازگشت به سوئد گفت که اوضاع در افغانستان به سرعت عادی می‌شود.

وی گفت که هنگام اقامت در افغانستان فرصت یافته است، تا از شهرهای مختلف کشور دیدن کند.

رئیس اتحادیه جوانان کمونیست سوئد یادآور شد که در این بازدیدها متوجه شده است که مردم افغانستان به دولت اعتماد دارند و از انقلاب ثور حمایت می‌کنند.

یاسر عرفات رهبر سازمان آزادیبخش فلسطین:

افزایش تدارکات نظامی امریکا در خلیج فارس جداً مایه نگرانی است

یاسر عرفات رهبر سازمان آزادیبخش فلسطین در پیامی به‌سمینار مسئله اعراب و اروپا گفت که امپریالیسم امریکا میخواهد منابع نفتی اعراب را چپاول کند و حوزه‌های نفتی را تحت سلطه خود قرار دهد.

عرفات یادآور شد که افزایش تدارکات نظامی آمریکا در خلیج فارس جداً مایه نگرانی است.

رهبر سازمان آزادیبخش فلسطین یادآور شد که برای برقراری صلح در منطقه باید حقوق حقه خلق فلسطین به رسمیت شناخته شود و نیروهای آمریکائی از خلیج فارس خارج شوند.

www.iran-archive.com